

نشخوار فکری فقیرانه

توهماتى كه ذهن و فكر طبقه متوسط و فقير جامعه را درگير كرده است

نویسندگان:
رابرت کیوساکی
کیم کیوساکی

ترجمه و گردآوری:
ابوالفضل طاهریان ریزی

ترجمه و چاپ با مجوز رسمی شرکت
پدرپولدار و بصورت انحصاری در ایران
توسط انتشارات طاهریان

RICH DAD Education IRAN

نشخوار فکری فقیرانه

نویسندگان: رابرت کیوساکی و کیم کیوساکی

گردآورنده: ابوالفضل طاهریان ریزی



سرشناسه: طاهریان ریزی، ابوالفضل، ۱۳۵۲- گردآورنده، مترجم.
عنوان و نام پدیدآور: نشخوار فکری فقیرانه: توهمات که ذهن و فکر طبقه متوسط و فقیر را درگیر کرده است/ گردآورنده
و مترجم ابوالفضل طاهریان ریزی.
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص:، مصور، ۲۱×۲۸ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۲۵۱-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتاب حاضر از منابع مختلفی که توسط رابرت و کیم کیوساکی نوشته شده، ترجمه و گردآوری شده است.
موضوع: موفقیت در کسب و کار
موضوع: Success in business
موضوع: کارآفرینی
موضوع: Entrepreneurship
موضوع: امور مالی شخصی
موضوع: Finance, Personal
موضوع: موفقیت
موضوع: Success
رده‌بندی کنگره: HF ۵۲۸۶
رده‌بندی دیویی: ۶۵۰/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۱۷۲۶۸



«نشخوار فکری فقیرانه»

- نویسندگان: رابرت و کیم کیوساکی • گردآورنده و مترجم: ابوالفضل طاهریان ریزی
- ناشر: انتشارات طاهریان • نوبت چاپ: اول • سال چاپ: ۱۴۰۱ • تیراژ: ۱۰۰ جلد
- قیمت: ۷۵/۰۰۰ تومان • تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور • چاپ: اسلامی
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۲۵۱-۲ • شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۲۵۲-۹

آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com
با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۰۷۰۸۷-۱۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۰۷۰۸۷-۱۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما

باشید.

فهرست

آیا واقعاً چیزی به نام امنیت شغلی وجود دارد؟

چگونه در انتخابات هوشمند باشیم؟

ارزش حفاظت از ایده‌ها و دارایی‌ها

صورت‌حساب مالی، تکیه‌گاه اصلی شما برای ثروتمند شدن

همه چیز در مورد داشتن طرز فکر درست است

خانه شکلاتی

بودجه‌بندی پول خود را جدی بگیرید

آیا بدهی دارم یا دارایی؟

آیا مشاغل گیگی راهی به سوی کارآفرینی هستند؟

دلیل شماره یک شکست کارآفرینان

چرا فقدان بازخورد تنها چیزی است که شما را عقب نگه می‌دارد؟

یک درس پولی از وی‌مبلدون

اصول پدر پولدار: چهارراه پولسازی

nbbookcity.com

مقدمه

فقرا و طبقه متوسط به اشتباه چه چیزی را ثروت واقعی ثروتمندان می‌دانند؟! آیا آنها می‌دانند ثروتی که آرامش به بار نیاورد چیزی جز فقر نیست؟! هستند حقوق‌بگیرانی که دارای حقوق و مزایای بالایی می‌باشند ولی به جای آنکه آنها مالک دارایی و ثروت خود باشند، این دارایی‌ها مالک آنها است! بسیاری از فقرا هنوز پولدار بودن را گناه و ثروتمند شدن را باعث شرمساز می‌دانند! بسیاری از مردم که متأسفانه تعداد آنها کم هم نیست فقر را فضیلتی روحانی و اخلاقی به حساب می‌آورند.

این نمونه‌ها و هزاران الگوی اشتباه دیگر در واقع نشخوارهای ذهنی است که به صورت شبانه‌روزی فقرا و حقوق‌بگیران را درگیر خود کرده است. رابرت و کیم کیوساکی در این کتاب و فرصت کوتاه به دست آمده سعی دارند به شما تأکید کنند که برای پولدار شدن ابتدا باید ذهن و فکر خود را از تصورات اشتباه پاکسازی کرده و جای را برای جایگزینی افکار جدید در مورد پول، دارایی و ثروت باز کنید. از توهم امنیت شغلی حقوق‌بگیران تا مزایا و معایب مشاغل گیگی، از شگردهای دولت‌مردان در رقابت‌های انتخاباتی تا توجه به حفظ و مراقبت از ایده‌ها، از داشتن نگاه درست به پول و دارایی تا جدی گرفتن بودجه‌بندی و ... شاه کلیدهایی است که ما به همراه هم قرار است در این سفر کوتاه به آنها بپردازیم و در مسیر پولسازی و کارآفرینی به نحو احسن از آنها بهره ببریم.

برای بالا بردن سطح آدرنالین خون خود چند بار تند و سریع بالا و پایین بپرید و با من در این سفر همراه گردید.

همیشه پویا باشید

طاهریان

آیا واقعاً چیزی به نام امنیت شغلی وجود دارد؟



چرا حقوق‌بگیر بودن خطرناک‌ترین کاری است که می‌توانید در اقتصاد امروز انجام دهید

حالا زمانی از سال است که جوانان از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند و برای ورود به بازار کار آماده می‌شوند. بدون شک، بسیاری از فارغ‌التحصیلان جدید امیدوار هستند اولین شغل برای خود پیدا کنند و حرفه انتخابی خود را ادامه دهند.

به احتمال زیاد به آنها گفته شده است که راه رسیدن به یک آینده مالی مطمئن رفتن به یک مدرسه خوب و یافتن یک شغل خوب است.

مشکل اینجاست که نصیحت فوق‌نه تنها بد نیست بلکه از نظر مالی نیز خطرناک است.

هیچ امنیتی برای شما وجود ندارد

حتماً شما هم اصطلاح «امنیت شغلی» را شنیده‌اید. در واقع امنیت شغلی یک افسانه است. این یک احساس خوب از یک سنی متفاوت است. واقعیت این است که حقوق‌بگیر بودن در اقتصاد امروز به معنای قرار گرفتن در پرخطرترین موقعیت ممکن است.

منبع خبری **AXIOS** در یک مقاله «نادر، صریح و جدی» گزارش می‌دهد که مدیران شرکت‌های آمریکایی در مورد چشم‌انداز مالی کارکنان خود صادق هستند. پیام این است که آمریکایی‌ها باید منتظر افزایش دستمزدهای سراسری که هم‌زمان با سود بیشتر شرکت‌ها باشد، نمانند. برای کسب درآمد، کارگران باید به سمت مشاغل با مهارت بالاتر که درآمد بیشتری دارند، روی آورند.

در این مقاله، مدیران درباره نحوه برنامه‌ریزی آنها برای اخراج بسیاری از کارکنان خود و جایگزینی آنها با اتوماسیون اداری صحبت می‌کنند. آنها همچنین می‌گویند که روزهای افزایش حقوق گذشته است. در عوض، در غیرقابل تعویض‌ترین کارمندان، شاهد هر گونه تلاشی خواهیم بود - تا زمانی که آنها نیز قابل تعویض باشند.

از این پیام واضح‌تر نمی‌تواند باشد. انتظار حقوق بیشتری نداشته باشید و خوشحال باشید که فعلاً شغل دارید. این در حالی است که بسیاری از شرکت‌ها از سودهایی بی‌سابقه در عصر کنونی بهره می‌برند.

نمرات خوب، افسانه شغل خوب

برای کسانی که تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند و احتمالاً برای کسب نمرات خوب تلاش کرده‌اند تا بتوانند شغل خوبی پیدا کنند، می‌خواهم اولاً به آنها تبریک بگویم و خبری ناخوشایند ولی واقعی بدهم. ماین در واقع یک توصیه طلایی که ارزش آن در شروع نیمه دوم زندگی شما پررنگ‌تر می‌شود. توصیه این است:

آینده مالی خود را صرف کار برای شخص دیگری نکنید.



امروزه بسیاری از مردم نمرات خوبی در مدارس و دانشگاه‌ها قبلاً کسب کرده‌اند، اما مشاغل ایمن و مطمئن کمتر و کمتر می‌شوند و حتی تعداد کمی دارای مزایایی مانند حقوق بازنشستگی هستند. بسیاری از مردم، حتی آنهایی که نمرات خوب دارند، باید «به کار خود دقیق‌تر فکر کنند» و فقط به دنبال شغلی نباشند که در آن به کسب و کار دیگران اهمیت داده می‌شود.

باور کن من جذابیت چیزی که به نظر امنیت می‌رسد را درک کنم، اما همانطور که از زبان مدیران بزرگترین شرکت‌ها شنیدید، اصولاً چیزی به نام امنیت شغلی برای طبقه حقوق‌بگیر (کارگر و کارمند) وجود ندارد. در عوض باید یاد بگیرید که راه خودتان را در دنیا بسازید.

به طور طبیعی، شما ممکن است این مسیر پی‌گیری راه خود را به عنوان یک راه خطرناک و پرریسک در نظر بگیرید، اما در واقع اصلاً اینطور نیست.

جنبه واقعاً مخاطره‌آمیز

چهارراه‌پولسازی شکل ساده‌ای است که من از آن برای آموزش نحوه تولید (و از دست رفتن) ثروت در دنیای پول‌امروزی به مردم استفاده می‌کنم.



در سمت چهارراه‌پولسازی، حقوق‌بگیران (کارمندان و کارگران) و افراد خویش‌فرمایان (کسانی که زمان و مهارت‌های خود را مانند وکلا می‌فروشند) قرار دارند. در سمت راست صاحبان مشاغل و سرمایه‌گذاران قرار دارند. کسانی که در سمت چپ چهارراه‌پولسازی قرار دارند در معرض بیشترین خطر هستند زیرا کنترلی بر اوضاع ندارند و بیشترین پول را به دلیل مالیات و تورم از دست می‌دهند؛ اما آنهایی که در سمت راست هستند، حتی اگر به طور سنتی به عنوان پرخطرترین افراد در نظر گرفته می‌شوند، در واقع امن‌ترین افراد هستند، زیرا بر اوضاع کاملاً کنترل دارند و می‌توانند از مالیات و تورم به نفع خود استفاده کنند.

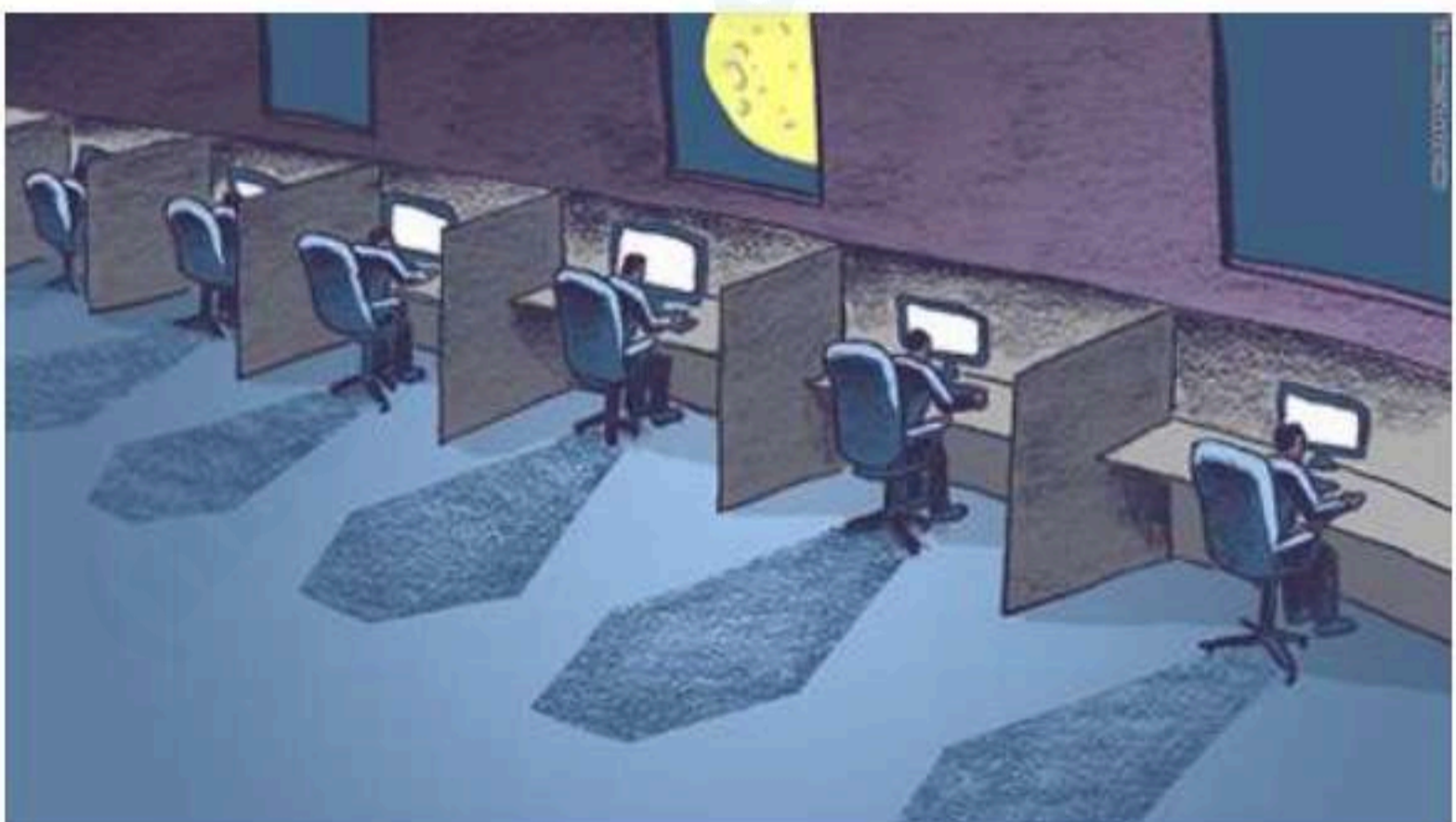


من هنوز دوستانی دارم که به عنوان حقوق‌بگیر یا خویش‌فرما به دنبال امنیت هستند. همانطور که گفته شد، من معتقدم که آن سمت چهارراه‌پولسازی در واقع خطرناک‌ترین قسمت است. اگر مردم می‌توانستند آنچه را که من هنگام سفر به دنیا مالی می‌بینم ببینند، اصلاً به دنبال امنیت بیشتر نبودند. امنیت مالی یک افسانه است. مسیر کسب درآمد از زندگی حقوق‌بگیری خوب نیست؛ و در شرایط بد اقتصادی، این کارمندان هستند که شغل خود را از دست می‌دهند، نه صاحبان مشاغل. بیاید چیز جدیدی بیاموزید و در این دنیای جدید شجاع باشید و دائماً خودتان را در پشت ترس‌هایتان پنهان نکنید.

وضعیت برای افراد خویش‌فرما هم خطرناک است. آنها اگر بیمار یا پیر شوند، درآمد آنها مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌گیرد. با افزایش سن، من با افراد خویش‌فرمای بیشتری آشنا شدم که از نظر جسمی، ذهنی و عاطفی از کار سخت فرسوده شده بودند. هرچه فرد خستگی را بیشتر تحمل کند، امنیت کمتری دارد و خطر بروز اتفاقات ناخوشایند نیز بالا می‌رود.



از آنجایی که نفوذ و توسعه فناوری مانند اتوماسیون با سرعت فزاینده‌ای ادامه دارد، حقوق‌بگیران و افراد خویش‌فرما باید دائماً آموزش ببینند تا در بازار کار همگام و در جریان باقی بمانند. ایده من این بوده است که اگر به هر حال قصد دارید دوباره آموزش دهید، چرا زمانی را صرف آموزش مهارت‌های مورد نیاز برای تبدیل شدن به یک صاحب کسب و کار یا سرمایه‌گذار نکنید و به سمت راست چهارراه پولسازی نروید؟



طرف واقعاً امن زمین بازی

طنز ماجرا این است که زندگی در سمت راست ربع، جایی که بیشتر مردم آن را مخاطره‌آمیزتر می‌دانند، در واقع امن‌تر قسمت زمین است. به عنوان مثال، اگر یک سیستم امن دارید که با کار کمتر و پول بیشتری تولید می‌کند، واقعاً نیازی به شغل ندارید یا نیازی به نگرانی در مورد از دست دادن شغل خود ندارید. برای کسب درآمد بیشتر، شما به سادگی سیستم را گسترش داده و افراد بیشتری را

استخدام می کنید. این به شما این فرصت را می دهد که امکانات خود را گسترش دهید تا بتوانید از همه چیزهایی که در زندگی وجود دارد لذت ببرید. افرادی که سرمایه گذاران سطح بالایی هستند نگران بالا رفتن یا نزول بازار نیستند زیرا دانش آنها به آنها امکان می دهد در هر شرایطی درآمد کسب کنند. اگر در آینده ای قابل پیش بینی سقوطهایی در بازار رخ دهد که به اعتقاد من این اتفاق خواهد افتاد، بسیاری از بچه های دیروز وحشت خواهند کرد و بسیاری از پولی را که برای بازنشستگی داشتند از دست خواهند داد. اگر این اتفاق در سنین بالا بیفتد، به جای بازنشستگی، باید تا زمانی که جان دارید کار کنند. بینم امنیت چگونه؟



رابرت کیوساکی
برای موفقیت
توصیه می کنم
سرعت
شکستهایتان را
بالا ببرید.
انتشارات طاهریان
www.Taherianpress.com

سرمایه گذاران حرفه ای افرادی هستند که اندکی از پول خود را به خطر می اندازند و در عین حال بیشترین بازده را دارند. افرادی که اطلاعات کمی در مورد سرمایه گذاری دارند، ریسک می کنند و کمترین سود را به دست می آورند. از دیدگاه من، تمام ریسک در سمت چپ چهارراه پولسازی است. اگر می خواهید یاد بگیرید که چگونه از سمت چپ چهارراه پولسازی به سمت راست حرکت کنید، امروز روز شروع این مهاجرت سرنوشت ساز است. تحصیلات مالی خود را افزایش داده، ذهنیت خود را گسترش داده و فرصت های پیش روی خود را ببینید. سرمایه گذاری روی امنیت مالی خود را از امروز شروع کنید.

چگونه در انتخابات هوشمند باشیم؟



در این فصل انتخابات به جای واکنش نشان دادن، فعال باشید. این چرخه انتخاباتی سفر جالبی بوده است، اما تقریباً به پایان رسیده است. سه‌شنبه بیاید، رئیس‌جمهور جدیدی را در کاخ سفید خواهیم داشت و نتیجه هر چه که باشد، می‌توانید مطمئن شوید که در صدر قرار خواهید گرفت. بلاتکلیفی سیاسی می‌تواند بر بخش‌های مختلف اقتصاد، از جمله اعتماد مصرف‌کننده و ارزش پول، اثر چشمگیری داشته باشد. بر اساس گزارش ۲۰۱۶ بانک آمریکا برای کسب و کار کوچک، «۶۷ درصد معتقدند که انتخابات ریاست جمهوری آینده "بسیار" یا "تا حدودی" بر تجارت آنها تأثیر می‌گذارد، در حالی که ۵۳ درصد معتقدند که انتخابات کنگره تأثیر خواهد داشت.» علاوه بر این، هر دو نامزد برنامه‌های متضادی در مورد رشد اقتصادی دارند، به این معنی که ما در چهار سال آینده به دو چشم‌انداز اقتصادی بسیار متفاوت نگاه می‌کنیم.

بنابراین، به جای واکنش نشان دادن و منتظر ماندن برای اینکه چه کسی انتخاب می‌شود، وقت آن است که فعال باشید و تمرکز خود را به سمت اطمینان از برنده شدن پس از انتخابات معطوف کنید.

اهداف خود را دوباره مرور کنید

بهترین راه برای شروع آماده شدن برای چهار سال آینده، مرور مجدد اهداف مالی است. هر دو نامزد ریاست جمهوری برنامه‌ای برای امور مالی آمریکا دارند و اکنون نوبت شماست که مطمئن شوید که شما هم برنامه‌ای برای خود دارید.

با تجسم روز، هفته، ماه، سال و دهه ایده‌آل خود شروع کنید. برای تحقق این چشم‌انداز به چه مقدار پول نیاز دارید؟ چطور به آنجا خواهی رفت؟



به عنوان مثال، فرض کنید می‌خواهید تا پایان سال آینده بدون بدهی باشید. برای انجام این کار به چه مقدار پول نیاز خواهید داشت؟ مجموع را تقسیم کنید و به عددی بیايید که باید هر ماه برای پرداخت بدهی خود کنار بگذارید. حال، چگونه آن مقدار را هر ماه ایجاد می‌کنید؟ آیا در یک جریان درآمد غیرفعال جدید سرمایه‌گذاری خواهید کرد؟ آیا یک کسب و کار کوچک با فروش آنلاین راه‌اندازی می‌کنید؟ هنگامی که یک هدف نهایی را در ذهن دارید، می‌توانید برنامه‌ای برای رسیدن به هدف خود در نظر بگیرید. سال‌های آینده می‌تواند نحوه عملکرد اقتصاد ما را تغییر دهد. هنگامی که بازارها تغییر می‌کنند، مردم تمایل دارند تصمیمات مبتنی بر احساسات بگیرند که دوباره به آنها دامن می‌زند. داشتن یک برنامه مالی مستحکم، با اهداف روشن، واکنش شما را نسبت به بحران بسیار سطحی‌تر می‌کند. هر اقدام و واکنشی که انجام می‌دهید باید شما را به رسیدن به اهدافتان نزدیک‌تر کند. از همین امروز برنامه‌ای را تنظیم کنید که بتوانید از آن پیروی کنید تا در واکنش به تغییرات احتمالی در تقلا نباشید. مطمئن شوید که با بروز مشکلات و پیشرفت‌های جدید، در برنامه‌های خود جایی برای انعطاف‌پذیری باقی می‌گذارید، اما همیشه به چشم‌انداز نهایی نگاه کنید. اگر برای تعیین اهداف به کمک بیشتری نیاز دارید، فقط به یاد داشته باشید که در مورد آن هوشمند باشید: خاص، قابل اندازه‌گیری، قابل دستیابی، واقع بینانه و به موقع.

پس انداز را متوقف کنید و شروع به سرمایه گذاری کنید

با عدم اطمینان اقتصادی، پاسخ‌های احساسی زیادی به پول پیش می‌آید. برای بسیاری، این احساس ترس است که می‌تواند منجر به تصمیمات سرمایه گذاری سریع و ضعیف شود.

به عنوان مثال، با افزایش عدم اطمینان، میل به نگه داشتن پول خود برای امنیت بیشتر می‌شود. مطمئنم این توصیه را زیاد شنیده‌اید: «پول خود را به خطر نیندازید، فقط آن را در یک حساب پس انداز قرار دهید که در آن امن است.» چیزی که بیشتر مردم نمی‌دانند این است که صرفه جویی، بزرگ‌ترین ریسکی است که می‌توانید با پول خود متحمل شوید. پس انداز شما مستعد تورم و عدم بهره است که هر دوی این موارد، پول شما را عملاً بی‌ارزش می‌کند. به جای اینکه اجازه دهید ارزش پولتان به مرور زمان کم شود و ارزش خود را از دست بدهد، تلاش خود را بر سرمایه گذاری برای تولید ثروت بیشتر متمرکز کنید.

با افزایش تحصیلات مالی خود شروع کنید. یک کلاس دارایی را انتخاب کنید که به آن علاقه دارید و عمیقاً جستجو کنید. کتاب بخوانید، مربیان را پیدا کنید، تحقیق کنید و هر چیزی که می‌توانید در مورد وسیله سرمایه گذاری انتخابی خود بیاموزید. سرمایه گذاری همیشه یک عنصر ریسک را به همراه دارد، اما هرچه تحصیلات و دانش شما بیشتر باشد، شخصاً ریسک کمتری را متقبل می‌شوید. دو مورد از سرمایه گذاری‌های مورد علاقه من املاک و مستغلات و طلا هستند. هر دو ابزار سرمایه گذاری قوی برای زمان ناامنی اقتصادی هستند.

سرمایه گذاری مورد علاقه من، املاک و مستغلات، به دلایل زیادی یک انتخاب مطمئن است. بازارهای املاک و مستغلات در واکنش به رکود اقتصادی کندتر هستند. به علاوه، بزرگترین مزیت املاک این است که همیشه مورد نیاز است. مردم همیشه به دفاتر و خانه‌ها و مراکز خرده‌فروشی نیاز خواهند داشت. مکان‌های خوب و ساختمان‌های با کیفیت همیشه سرمایه گذاری‌های پرسودی برای سرمایه گذاران باهوش خواهد بود.



اگر مطمئن نیستید از کجا شروع کنید، با جستجوی مکان‌های برتر در نزدیکی خود شروع کنید. رانندگی کنید و محله خود و فرصت‌های موجود را بشناسید. با یک مربی ملاقات کنید، کسی که با موفقیت در املاک سرمایه‌گذاری کرده است و می‌تواند شما را در این فرآیند راهنمایی کند. برای یادگیری بازار، اطلاعاتی در مورد جمعیت‌شناسی و نرخ جای خالی جمع‌آوری کنید، بنابراین می‌توانید انتخاب‌های سرمایه‌گذاری آگاهانه‌ای داشته باشید که مبتنی بر دانش است نه احساسات.

طلا یکی دیگر از سرمایه‌گذاری‌های عالی است که در مواقع عدم اطمینان اقتصادی باید در نظر گرفت. طلا در حال حاضر به بالاترین حد خود رسیده است. مردم می‌دانند که دلار آمریکا با فضای سیاسی پرتنش کنونی ما در آشفتگی است، بنابراین بسیاری از سرمایه‌گذاران شروع به جمع‌آوری طلا کرده و در صورت کاهش ارزش دلار، آن را در اختیار دارند. ... و مقاله‌ای از وال استریت ژورنال که می‌نویسد:

به گفته جیمز استیل، تحلیلگر ارشد فلزات گران‌بها در HSBC، پیروزی دونالد ترامپ، نامزد جمهوری خواه یا هیلاری کلینتون، نامزد دموکرات، برای قیمت طلا خوب است، اگرچه این فلز حمایت بیشتری از ریاست جمهوری ترامپ خواهد داشت.

وی در یادداشتی در روز سه‌شنبه نوشت: «این انتخابات ایالات متحده ممکن است در تعیین مسیر سیاست اقتصادی و سیاست خارجی ایالات متحده و در نتیجه برای قیمت طلا با توجه به شدت چالش‌های پیش روی اقتصاد اهمیت ویژه‌ای داشته باشد».

سرمایه‌گذاری در طلا در حال حاضر یک تصمیم عاقلانه است که می‌تواند واقعاً در آینده نتیجه دهد، صرف‌نظر از اینکه کدام نامزد برنده شود.

شما نباید سرمایه‌گذاری در سهام کاغذی را نیز رد کنید. حتی در شرایطی که بازار سهام با بحران‌های بالقوه و تحولات سیاسی مواجه است، شما همچنان می‌توانید آن را برای خود کارساز کنید. با آموزش، مربیان و ذهنیت مناسب، می‌توانید راه‌هایی برای جلوگیری از ماندن در بازار سهام پیدا کنید.

هر استراتژی سرمایه‌گذاری که تصمیم می‌گیرید، به یاد داشته باشید که یک رویکرد بلندمدت و متعادل داشته باشید. اجازه ندهید احساسات تصمیمات سرمایه‌گذاری شما را هدایت کنند، اما به برنامه مالی خود اطمینان داشته باشید و هیچ یک از کاندیداها تأثیر شدیدی بر سرمایه‌گذاری شما نخواهند داشت. به سمت راست چهارراه پولسازی حرکت کنید

مانند هر دوره انتخاباتی، امکان افزایش مالیات بر درآمد وجود دارد. منتظر نمانید تا آنها برایتان کاری انجام دهند. اگر در سمت چپ چهارراه پولسازی، حقوق‌بگیر یا خویش‌فرما هستید، بیشترین ضرر را به دلیل مالیات بر درآمد بالاتر خواهید داشت.

حرکت به سمت راست چهارراه پولسازی در اسرع وقت می‌تواند به شما کمک کند نه تنها اثرات مالیات را کاهش دهید، بلکه از مالیات به نفع خود استفاده کنید. ثروتمندان دارای معافیت‌های مالیاتی زیادی هستند که توسط دولت برای تشویق سرمایه‌گذاری و توسعه کسب و کار - که مشاغل بیشتری ایجاد می‌کند - به آنها پیشنهاد می‌شود. B و I می‌توانند میلیون‌ها دلار درآمد داشته باشند و تقریباً هیچ مالیاتی به طور قانونی پرداخت نکنند.

بزرگ‌ترین بهانه‌هایی که می‌شنوم برای انجام ندادن حرکت در چهارراه پولسازی عبارتند از: «من پولی برای سرمایه‌گذاری ندارم». «فقط وقت لازم برای شروع یک تجارت را ندارم». «خیلی خطرناک است».

اجازه دادن به این ترس‌ها و بهانه‌ها در درازمدت هزینه زیادی برای شما خواهد داشت. پس یک قدم آن را بردارید. حرکت از سمت چپ به سمت راست یک شبه اتفاق نمی‌افتد. این یک سفر است.

می‌توانید با ایجاد کسب و کار آنلاین خود شروع کنید. تنها چیزی که لازم است یک ایده و اتصال به اینترنت است. هنگامی که تجارت شما شروع به رشد کرد، می‌توانید از سود حاصل از فروش خود برای سرمایه‌گذاری در دارایی مورد نظر خود استفاده کنید. درآمد غیرفعال حاصل از آن سرمایه‌گذاری می‌تواند به شما کمک کند تا کسب و کار خود را بیشتر توسعه دهید یا شما را به سمت فرصت‌های سرمایه‌گذاری بزرگتر و بهتر سوق دهد.

اگر سرمایه‌گذاری‌ای دارید که در حال حاضر به آن علاقه دارید، برای تأمین مالی آن از پول دیگران (OPM) استفاده کنید. اگر به درستی تحقیق کنید و یک فرصت سرمایه‌گذاری با کیفیت تهیه کنید، مردم مایلند با شما سرمایه‌گذاری کنند. آنها التماس می‌کنند که پولشان را به شما بدهند! استفاده از OPM و بدهی خوب برای تأمین مالی یک فرصت سرمایه‌گذاری به شما کمک می‌کند تا وارد بخش مورد نظرتان در چهارراه پولسازی شوید. هر چه که انتخاب می‌کنید، مالک کسب‌وکار یا سرمایه‌گذار، یا هر دو، همین الان شروع به برداشتن مراحل برای تغییر آن کنید. به خودتان رأی مثبت بده

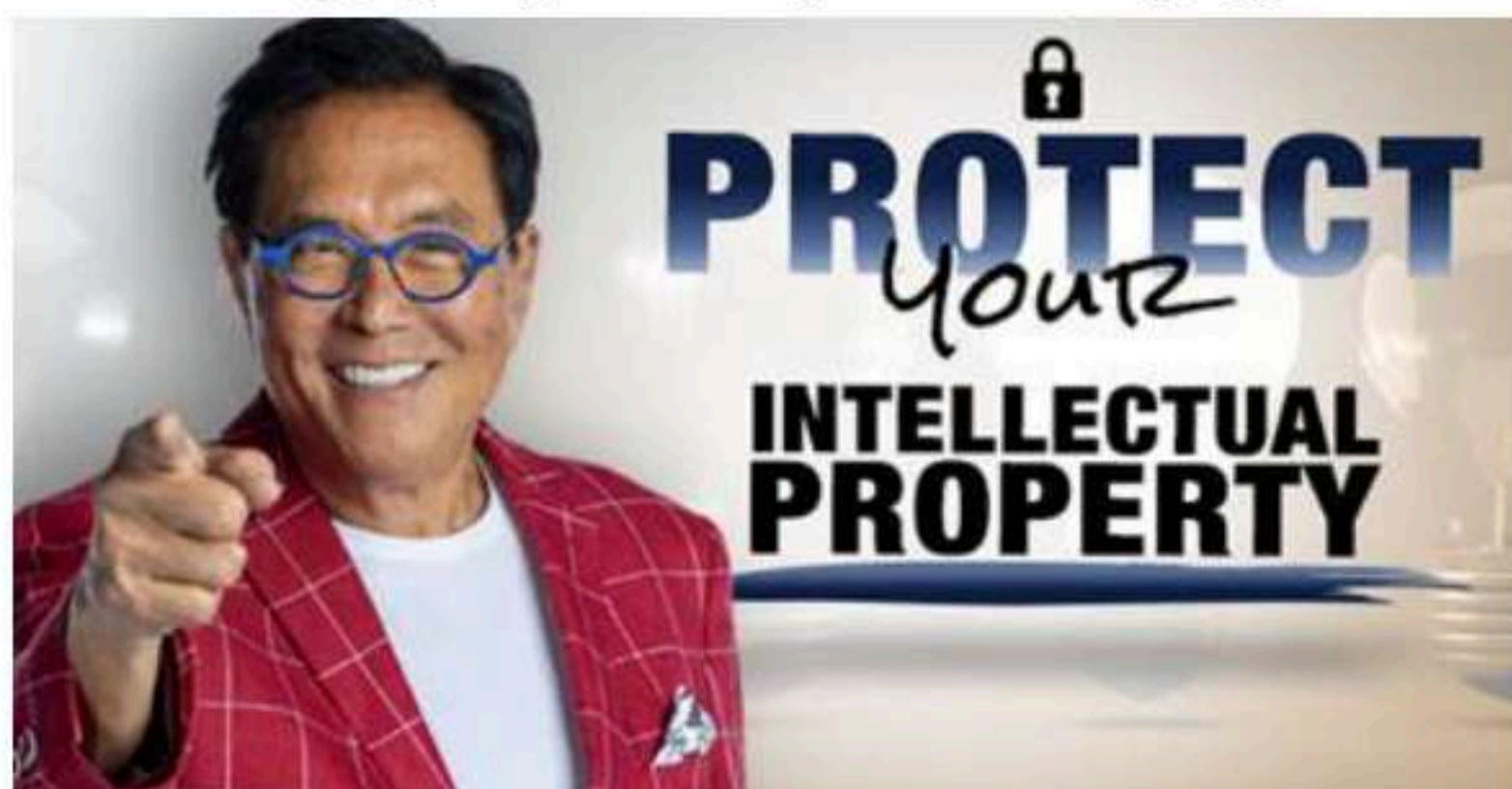
همانطور که وارد روزهای پایانی منتهی به انتخابات می‌شویم، این زمان را برای شروع برنامه‌ریزی استراتژی مالی خود برای چهار سال آینده و بعد از آن اختصاص دهید. اجازه ندهید احساسات ترس، ناامیدی یا حتی هیجان تصمیمات شما را هدایت کنند. برنامه‌ای را اجرا کنید که مبتنی بر آموزش مالی هوشمند است که می‌تواند شما را به اهداف نهایی خود برساند.



شما استاد نهایی امور مالی خود هستید. در ترس از نتایج انتخابات زندگی نکنید. برای کنترل آینده مالی خود مطمئن باشید و آماده باشید؛ و البته فراموش نکنید که سه شنبه آینده رأی خود را به صندوق بیندازند.

(inbookcity.com)

ارزش حفاظت از ایده‌ها و دارایی‌ها



برای صاحب کسب‌وکار، اگر از به دنبال وکیلی ارزان‌تر بروید، می‌تواند

هزینه‌های بسیار بیشتری را برای شما در پی داشته باشد.

اگر شما هم مثل من هستید، عاشق یک فیلم خوب هستید. هیچ زمانی برای

انتخاب فیلم، بهتر از فصل فیلم‌های تابستانی نیست.

امسال با تولید مجدد نسخه جدید فیلم تاپ گان مجدداً به فروش خوبی در

گیشه رسید. تا به امروز، فیلم تاپ گان با امتیاز ۹۷٪ بیش از ۵۵۲ میلیون دلار

فروش داشته است. به نظر می‌رسد که پارامونت یک سورپرایز جدید در دستان

خود دارد ...

هزینه شکست دارایی و حفاظت از ایده

به گفته Screenrant، ممکن است دیگر هرگز نسخه دیگری از فیلم تاپ

گان را نبینیم. چرا؟ از آنجایی که شرکت پارامونت نتوانست دوباره حق کپی‌رایت

داستان اصلی تضمین کند.



همانطور که جوردن ویلیامز نویسنده می‌گوید:

جشن‌های موفقیت فیلم مأموریت تاپ گان ۲ زیاد طول نکشید، زیرا وارثان نویسنده‌ای که داستانش الهام‌بخش فیلم تاپ گان در سال ۱۹۸۶ بود، اکنون از پارامونت در یک دعوی حقوقی شکایت کرده‌اند. در سال ۱۹۸۳، نویسنده **Ehud Yonay** داستانی برای مجله کالیفرنیا با عنوان «تاپ گان» نوشت و داستان هاپوی به سرعت توسط شرکت پارامونت پیکچرز مورد توجه قرار گرفت. اکنون، پس از نزدیک به چهار دهه، وضعیت کپی‌رایت داستان و ساخت ادامه‌دار فیلم تاپ گان، می‌تواند یکی از بزرگترین دارایی‌های استودیو را از دست وی بگیرد.

این پرونده هنوز حل نشده است، اما طولانی و کوتاه آن این است که یک فرصت ۳۵ ساله برای بازگشت حق کپی‌رایت به خانواده یونای (نویسنده) وجود دارد. به این معنی که این خانواده در سال ۲۰۱۹ حق کپی‌رایت را دریافت کردند. پارامونت می‌گوید این فیلم قبل از آن زمان ساخته شده بود اما به دلیل شیوع بیماری کووید اکران آن به تعویق افتاد؛ اما این ادعا هم مبهم است که آیا

کار دیگری در نسخه فیلم ۲۰۱۹ انجام شده است یا خیر. در هر صورت، خانواده یونانی اکنون صاحب حق یونانی هستند و تا زمانی که پارامونت آن را مجدداً پرداخت نکند، دیگر نباید دیگر نسخه‌های فیلم‌های موفق تاپ گان را نخواهند ساخت. به احتمال زیاد مشکل فوق با پرداخت میلیون‌ها دلار حل و فصل می‌شود.

این بهای بزرگی است که باید برای حمایت نکردن از ایده خود پرداخت. حفاظت از دارایی و ایده هزینه کمی دارد

یاد داستانی افتادم درباره اولین کسب و کارم که کیف پول‌های نایلونی را تولید می‌کردم. دهه ۱۹۸۰ بود و ما حق ساخت کیف پول‌ها را با چاپ اسامی گروه‌های محبوب موسیقی آن زمان به دست آورده بودیم. تجارتیمان بسیار موفق بود و من فکر می‌کردم یک نابغه واقعی تجارت هستم.

وقتی داشتم برای کسب و کار برنامه‌ریزی می‌کردم، با یک وکیل در مورد ثبت ایده‌ام صحبت کردم. وقتی فهمیدم که ثبت اختراع برای من ۱۰۰۰۰ دلار هزینه دارد، به این نتیجه رسیدم که خیلی گران است و مهم نیست.

در این بین یک شرکت دیگر به سرعت آمد و ایده من را کپی کرد و من هیچ کاری نتوانستم در مورد آن انجام دهم. در نهایت تجارت من شکست خورد و میلیون‌ها دلار ضرر کردم. ناگهان برایم آن ۱۰۰۰۰ دلار پول زیادی به نظر نمی‌رسید و من نیز احساس نمی‌کردم که چنان نابغه‌ای در تجارت باشم.



دنیا مملو از افراد تجاری و کارآفرینان باهوش است که ایده‌های عالی دارند و اقدام به محافظت از آنها قبل از شروع به فروش محصولات یا ایده‌های خود

کرده‌اند. در دنیای مالکیت معنوی، زمانی که ایده شما فاش شود، محافظت از آن تقریباً غیرممکن است.

امید من این است که شما یکی از این افراد نشوید. اگر ایده یا محصول عالی دارید، یکی از مؤلفه‌های اساسی موفقیت، تضمین آن ایده با داشتن اهرم‌های حمایتی قانونی قوی است. این امر به ویژه در عصر اطلاعات صادق است، زمانی که هر کسی می‌تواند ایده‌های شما را با یک موتور جستجو و چند کلیک بدزدد.

چگونه از دارایی‌ها و ایده‌های خود محافظت کنید

من خوشبختانه کتابی را هم در این زمینه تدوین کرده‌ام که نکاتی جالب و حیاتی را در اختیار شما برای مقابله با شیادین در آن طرح نمودم. اگر کشور شما احتمالاً جزو سازمان تجارت جهانی و کپی‌رایت جهانی نیست به زودی این قانون بصورت تمام ملل پذیرفته می‌شود پس جهانی فکر کنید.



برای محافظت از ایده‌ها و دارایی‌های خود، وکیلی را که به آن اعتماد دارید استخدام کنید

پدر پولدار همیشه می‌گفت: «کسب و کار یک ورزش تیمی است.» و در تجارت، وکیل مالکیت معنوی و وکیل قراردادی شما از مهم‌ترین افراد در تیم شما است زیرا به شما کمک می‌کنند از مهم‌ترین دارایی‌های خود - ایده‌ها و محصولات

خود محافظت کنید. اگر وکلای خوبی پیدا کنید، راهزنان به ظاهر روشنفکر را از خود دور می‌کنید.



وکلای شما کمک خواهند کرد تا اسناد لازم را جمع کرده و بایگانی مناسب را برای حفظ مالکیت معنوی خود در قالب حق اختراع، علائم تجاری و حق چاپ ثبت و جمع‌آوری کنید. اینها برخی از باارزش‌ترین دارایی‌هایی هستند که می‌توانید داشته باشید و به آنها دارایی‌های نامشهود می‌گویند. اسناد قانونی که وکیل شما ایجاد می‌کند، حفاظت و مالکیت خاصی از مالکیت معنوی شما به شما اعطا می‌کند. بدون این نوع محافظت، خطر از دست دادن همه چیز را دارید.

مطمئن شوید که به طور قانونی عمل می‌کنید

بسیاری از مردم فکر می‌کنند که اگر یک LLC یا یک شرکت تشکیل دهید از شما محافظت می‌شود؛ اما این فقط نیمی از نبرد است. شما همچنین باید آن نهاد را به طور مشروع اداره کنید و گرنه به راحتی در یک دادگاه قانونی از بین می‌رود.



این بدان معنی است که وقتی شرکت تشکیل می‌شود و به صورت سالانه به مقالات، توافق‌نامه عملیاتی، صورت‌جلسه، صدور گواهینامه‌ها و موارد دیگر نیاز دارید. همه اینها به صورت سالانه مهم است. باید صورت‌جلسه‌ای داشته باشید که نشان دهد جلسه داشته‌اید.

همانطور که کارشناس ما گرت به اشاره می‌کند، بسیاری از افراد می‌گویند که با یک LLC نیازی به برگزاری جلسه نیست؛ اما وقتی وارد دادگاه می‌شوید، قاضی و هیئت منصفه می‌گویند: «یک دقیقه صبر کنید. چگونه می‌توانید یک کسب‌وکار، یک شرکت LLC یا یک شرکت را برای ۱۰ سال بدون جلسه اداره کنید؟ این واقع بینانه نیست.» نتیجه این است که موجودیت شما ممکن است نابود شود و شما همه چیز را از دست بدهید.

همانطور که گرت می‌گوید، تشریفات را مو به مو دنبال کنید.

کاری کنید که ایده‌هایتان برای شما کارساز باشد

هنگامی که از حقوق خود محافظت کردید، نه تنها می‌توانید دیگران را از استفاده از دارایی خود بازدارید، بلکه می‌توانید آن حقوق را بفروشید یا مجوز استفاده دهید و در حین انجام این کار درآمد حق امتیاز دریافت کنید؛ و این یک مثال عالی برای اینکه دارایی‌های شما برای شما کار کند است.



کلاً، کار حقوقی می‌تواند گران باشد. بسیاری از مردم در آن صرفه‌جویی می‌کنند که به ضرر آنها است. همانطور که می‌گویند: «در زندگی، آنچه را که برای آن هزینه می‌کنید، دریافت می‌کنید.» به‌عنوان صاحب کسب‌وکار، اگر به دنبال مشاور و وکیل حقوقی ارزان‌تر بروید، می‌تواند هزینه‌های بسیار بیشتری را برای شما در پی داشته باشد.

(nbookcity.com)

صورت حساب مالی، تکیه گاه اصلی شما برای ثروتمند شدن



کلید موفقیت مالی درک صورت حساب های مالی شخصی شماست
ثروتمند بودن به چه معناست؟

این شاید مهم ترین سؤالی باشد که می توانید پرسید و به آن پاسخ دهید. برای بیشتر مردم، ثروتمند بودن به معنای کسب درآمد زیاد است. آنها فکر می کنند که اگر بتوانند هر ماه کمی بیشتر پول به دست بیاورند، همه مشکلاتشان برطرف می شود و آنها مانند پادشاهان و ملکه ها زندگی خواهند کرد. سواد مالی با درک صورت های حساب های مالی شخصی شما شروع می شود واقعیت این است که پول شما را ثروتمند نمی کند. چیزی که شما را ثروتمند می کند بهره هوشی مالی شماست. مثلاً ۱۰۰۰۰۰ دلار را به فردی با بهره هوشی مالی پایین و فردی با بهره هوشی مالی بالا بدهید و من تضمین می کنم که تفاوت زیادی در نحوه خرج و رشد آن پول خواهید دید. تفاوت اصلی بین افراد دارای ضریب هوشی مالی پایین و بالا، سواد ساده اما عمیق است: توانایی درک یک صورت حساب مالی. یکی از مهم ترین چیزهایی که برای موفقیت مالی به آن نیاز دارید این است که بدانید چگونه صورت سود و زیان و ترازنامه را بخوانید. اما مهم تر از آن درک رابطه بین آنهاست. شما می توانید آن را در بازی گردش مالی پدر پولدار مشاهده کنید ^۱.

بسیاری از افرادی که در کلاس های حسابداری شرکت می کنند یاد می گیرند که چگونه صورت سود و زیان و ترازنامه را جداگانه بخوانند. با این حال، من همیشه

این را جذاب می دانستم که این کلاس ها به شما آموزش نمی دهند که چرا یک سند برای دیگری مهم است یا چگونه بر یکدیگر تأثیر می گذارند.

پدر پولدار من احساس می کرد که رابطه بین این دو حیاتی است: «چگونه می توانی یکی را بدون دیگری بفهمی؟ چگونه می توانید بفهمید که یک دارایی یا بدهی واقعاً بدون ستون درآمد یا ستون هزینه چیست؟» او همیشه این سؤال را از من و پسرش می پرسید.



برای پدر پولدار، درک رابطه بین این دو به ما این امکان را می دهد که به راحتی مسیر جریان نقدی خود را ببینیم و به راحتی تشخیص دهیم که آیا چیزی برای ما درآمد دارد یا خیر.

اگر چیزی درآمد کسب کند، یک دارایی است. اگر نه فقط این یک بدهی است. پدر پولدار می گفت: «فقط به این دلیل که چیزی در زیر ستون دارایی فهرست شده است، آن را به دارایی تبدیل نمی کند. دلیل اینکه مردم از نظر مالی آسیب می بینند این است که بدهی ها را می خرند و آنها را اشتباهاً در ستون دارایی فهرست می کنند.»

مهم این نیست که چه چیزی به دست می آورید (درآمد)، بلکه به مقداری که نگه می دارید (هزینه ها) است.

برای اکثر مردم، ایده فقط داشتن درآمد بالا چیز خوبی است اما برای پولدارها بد است. برای اکثر مردم، ایده هزینه های کم چیز خوبی است اما برای ثروتمندان باز هم بد است. در واقع، این فقط افراد فاقد هوش مالی هستند که فکر می کنند «کسب پول زیاد» در قالب درآمد کسب شده (چک حقوقی) چیز خوبی است.

اینها معمولاً کارمندانی با دستمزد بالا مانند دارندگان C-suite هستند. آنها ممکن است ثروتمند به نظر برسند، اما هنوز مانند فقیرها فکر می‌کنند. همانطور که پدر پولدار می‌گفت: «پول فقط یک ایده است.»



هنگامی که این ایده را درک کردید که درآمد کم و هزینه‌های بالا خوب است، یکی از محوری‌ترین واقعیت‌های این ایده به نام پول را درک خواهید کرد. عدم درک این مفهوم اساسی دلیل شکست بسیاری از افراد ثروتمند است. چگونه پول واقعاً کار می‌کند

همانطور که من در طول زندگی‌ام ایده پول را مطالعه می‌کردم، قانون ۱۰/۹۰ را کشف کردم: ۹۰ درصد مردم ۱۰ درصد از پول دنیا را به دست می‌آورند. ولی آنها چطور این کار را انجام می‌دهند؟ با قرار دادن درست درآمد و هزینه‌های خود در جاهای خود در برگه صورت‌حساب مالی. البته اینها همان ۱۰ درصدی است که اوکاسیو کورتز^۲ فکر می‌کند می‌تواند مالیات‌ها را افزایش دهد و برنامه‌های سیاسی خود را تأمین مالی کند.

اگر پول یا نحوه کار آن را درک نکنید، این جمله برایتان عجیب به نظر می‌رسد که بعضی ثروتمند خود را از درآمد کم و هزینه‌های بالا به دست می‌آورند. ممکن است این سؤال را بپرسید: «چگونه درآمد کم و هزینه‌های بالا می‌توانند ما را ثروتمند کنند؟» پاسخ این است که سرمایه‌گذاران با انجام مجموعه استفاده‌های پیچیده از قوانین مالیاتی و شرکتی برای بازگرداندن این هزینه‌ها به ستون درآمد صورت مالی خود استفاده می‌کنند.

KISS (موضوعات را بسیار ساده کنید)

یکی از بزرگترین مهارت‌های پدرپولدار من این بود که چیزهای پیچیده را دریافت کرده و آنها را بسیار ساده کند. این یکی از قوانین او برای سرمایه‌گذاری بود - KISS، «بسیار ساده کن». او روشی داشت که موضوعات پیچیده مالی را در نظر می‌گرفت و آنها را به اندازه قابل فهم برای یک پسر ۹ ساله آسان می‌کرد.



من این را می‌دانم زیرا وقتی نه ساله بودم، پدر پولدار از نمودارهای ساده زیر استفاده کرد تا رابطه بین صورت سود و زیان و ترازنامه را به من بیاموزد. من هنوز با تکمیل صورت حساب مالی شخصی خود از آنها تا به امروز استفاده می‌کنم.

اگر بتوانید نمودارهای زیر را درک کنید، شانس بیشتری برای به دست آوردن ثروت بزرگ خواهید داشت.

الگوهای جریان نقدی

دارایی چیزی است که پول را در جیب شما می‌گذارد. از سوی دیگر، بدهی چیزی است که پول را از جیب شما خارج می‌کند. داستان خیلی ساده است.

پدر پولدار اشاره می‌کرد که سردرگمی برای بسیاری اتفاق می‌افتد زیرا روش‌های پذیرفته شده حسابداری امکان فهرست بندی دارایی‌ها و بدهی‌ها را در زیر ستون دارایی فراهم می‌کند.

او برای توضیح این موضوع یک نمودار ساده ترسیم کرد:

ترازنامه مالی

دارایی	بدهی
 خانه ۱۰۰ هزار دلار	وام ۸۰ هزار دلار

پدر پولدار می‌گفت: «به همین دلیل است که همه چیز گیج کننده می‌شود. در این نمودار، ما یک خانه ۱۰۰۰۰۰۰ دلاری داریم که در آن شخصی ۲۰۰۰۰۰ دلار پول نقد گذاشته و اکنون ۸۰۰۰۰۰ دلار وام مسکن دارد. چگونه می‌دانید که این خانه دارایی است یا بدهی؟ آیا خانه فقط به این دلیل که در زیر ستون دارایی فهرست شده است یک دارایی است؟»

پاسخ البته خیر است. برای اینکه مطمئن شوید، باید به صورت سود و زیان مراجعه کنید تا ببینید آیا این خانه برای شما یک دارایی است یا یک بدهی.

صورت مالی یک فرد ثروتمند

به عنوان مثال، این نموداری است از آنچه که یک سرمایه‌گذار خبره در حال انجام آن است:



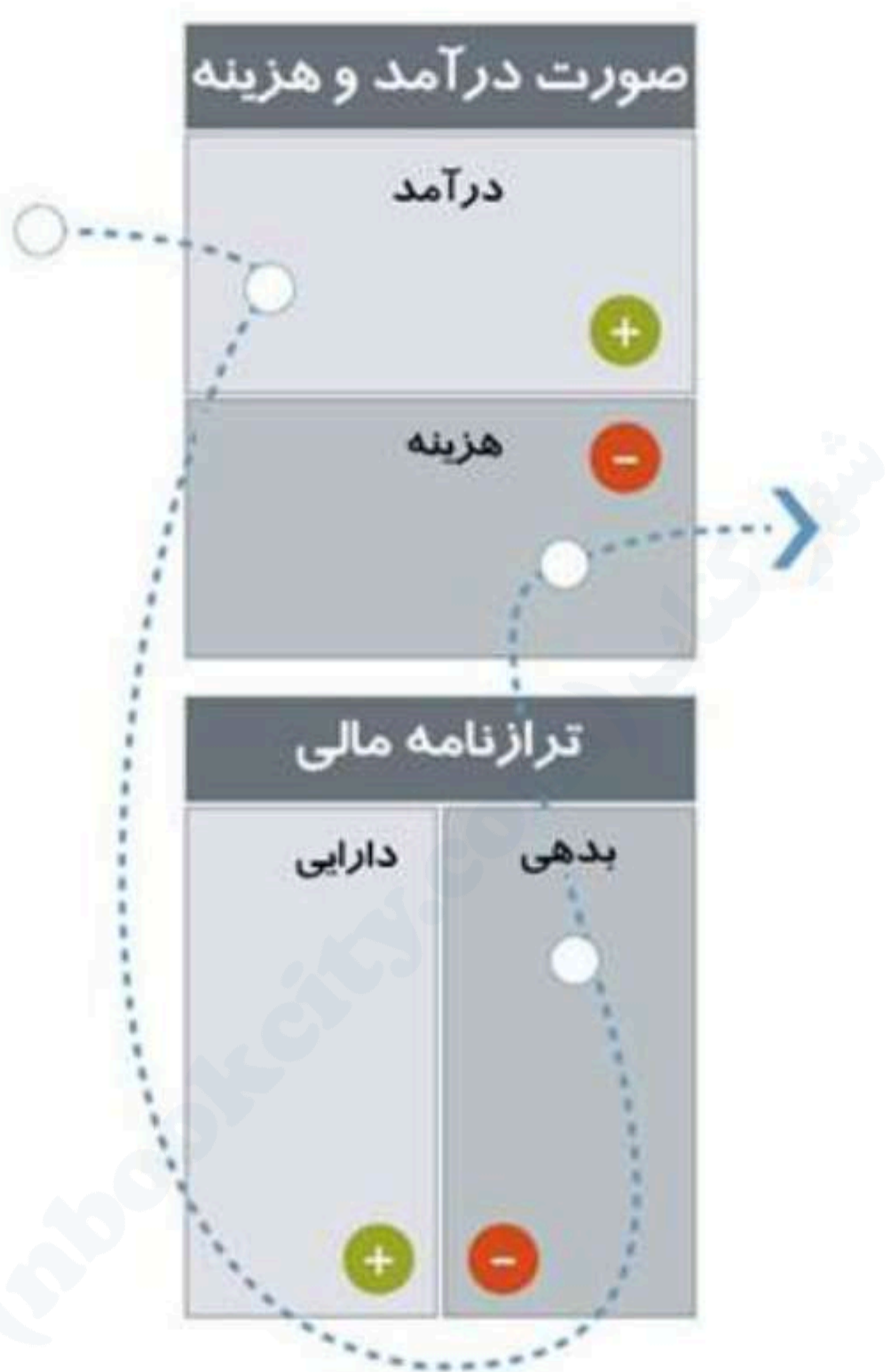
وقتی شروع به درک آنچه در این نمودار می‌گذرد می‌کنید، شروع به دیدن دنیایی با فراوانی مالی بیشتر و افزون‌تر خواهید کرد.

اساساً چیزی که این نمودار نشان می‌دهد این است که ثروتمندان از درآمد خود برای خرید دارایی‌ها (و هزینه‌ها) استفاده می‌کنند که سپس درآمد بیشتری را در قالب جریان نقدی برای آنها ایجاد می‌کند. دلیل این امر آن است که درآمدی که این دارایی‌ها ایجاد می‌کنند، درآمد حاصله (چک حقوقی) نیست، بلکه درآمد غیرفعال است که کمترین درآمد مشمول مالیات است. علاوه بر این، این دارایی‌ها را می‌توان در نهادهایی که مزایای مالیاتی قابل توجهی ارائه می‌کنند، نگهداری کرد. به طور خلاصه، اگرچه آنها ممکن است بسیار ثروتمند باشند، اما درآمد بالایی مانند یک کارمند با حقوق بالا ندارند.

پدر پولدار می‌گفت: «یکی از مهم‌ترین کنترل‌هایی که می‌توانید داشته باشید در این سؤال یافت می‌شود: چند درصد از پولی که ستون هزینه‌های شما خارج می‌شود در همان ماه به ستون درآمد شما باز می‌گردد؟»

با درک روی سکه‌ای که پدر پولدار از آن صحبت می‌کرد، دنیای کاملاً متفاوتی را دیدم که اکثر افرادی که سخت کار می‌کنند، پول زیادی به دست می‌آورند و

هزینه‌های خود را پایین می‌آورند، هرگز نمی‌بینند. با این نگرش من می‌توانستم دنیایی از ثروت رو به افزایش را بینم تا بازدهی رو به کاهش. صورت‌حساب مالی یک فرد از طبقه متوسط نمودار زیر را با طرز تفکر سنتی در مورد ایده پول مقایسه کنید:



این نمودار مالی اکثر جمعیت جهان است؛ به عبارت دیگر، پول از طریق ستون درآمد وارد می‌شود و از ستون هزینه خارج می‌شود و هرگز بر نمی‌گردد. به همین دلیل است که بسیاری از مردم سعی می‌کنند بودجه‌ای برای زندگی کمتر از توان خود، پس‌انداز، صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها ایجاد کنند. به همین دلیل است که اکثر مردم می‌گویند: «خانه من یک دارایی است»، حتی اگر پول از ستون هزینه‌ها خارج شود و حداقل نه بلافاصله، بازگردد. همچنین توضیح می‌دهد که چرا مردم می‌گویند: «من هر ماه پول از دست می‌دهم، اما دولت به من معافیت مالیاتی می‌دهد تا پول را از دست بدهم» به جای اینکه

بگویند «من از سرمایه‌گذاری خود درآمد کسب می‌کنم و دولت به من معافیت مالیاتی می‌دهد. راز پول درآوردن.»

چرا خانه شما یک بدهی است

برای نشان دادن اینکه خانه شما یک بدهی است، پدر پولدار این نمودار را ترسیم کرد:



درآمد به دست آمده از اجاره - هزینه‌ها - درآمد اجاره



چگونه خانه شما دارایی بانک است

پدر پولدار سپس خطی را به نمودار اضافه کرد که عبارت بود از «درآمد اجاره» و «درآمد خالص از اجاره» که کلمه کلیدی آن «خالص» است. این اضافه به

صورت مالی آن خانه را از یک بدهی به یک دارایی تغییر داد.

خیلی ساده، پدر پولدار توضیح داد، اگر درآمد اجاره‌خانه، منهای مخارج خانه، برابر با درآمد خالص مثبت اجاره باشد، خانه یک دارایی است. در غیر این صورت یک تعهد و بدهی است.

صورت مالی شخصی شما ساده شده است

این درس‌های ساده عمیق هستند. ولی اساس ساختن همه ثروت‌های بزرگ

هستند. اگر به نظر قبلی من برگردیم، فردی با بهره هوشی مالی بالا و ۱۰۰۰۰۰

دلار می‌تواند بداند که چگونه آن را در دارایی‌هایی سرمایه‌گذاری کند که دارایی‌های واقعی هستند - دارایی‌هایی که هر ماه پول بیشتری به جیب شما باز می‌گردانند. فردی که ضریب هوشی مالی پایینی دارد همان پول را برای خرید بدهی‌ها خرج می‌کند، اما نمی‌تواند تشخیص دهد که چه چیزی اشتباه است. در عوض، آنها تلاش می‌کنند و سخت‌تر تلاش می‌کنند تا پول بیشتری به دست آورند - چرخه معیوبی که ما آن را مسابقه موشواری می‌نامیم.

درک رابطه بین صورت سود و زیان و ترازنامه همانطور که در قالب صورت‌های مالی شخصی ما دیده می‌شود به شما این امکان را می‌دهد که به سرعت درک کنید که سرمایه‌گذاری دارایی یا بدهی است - و این درک به شما امکان می‌دهد هر بار سرمایه‌گذاری مناسبی را انجام دهید.

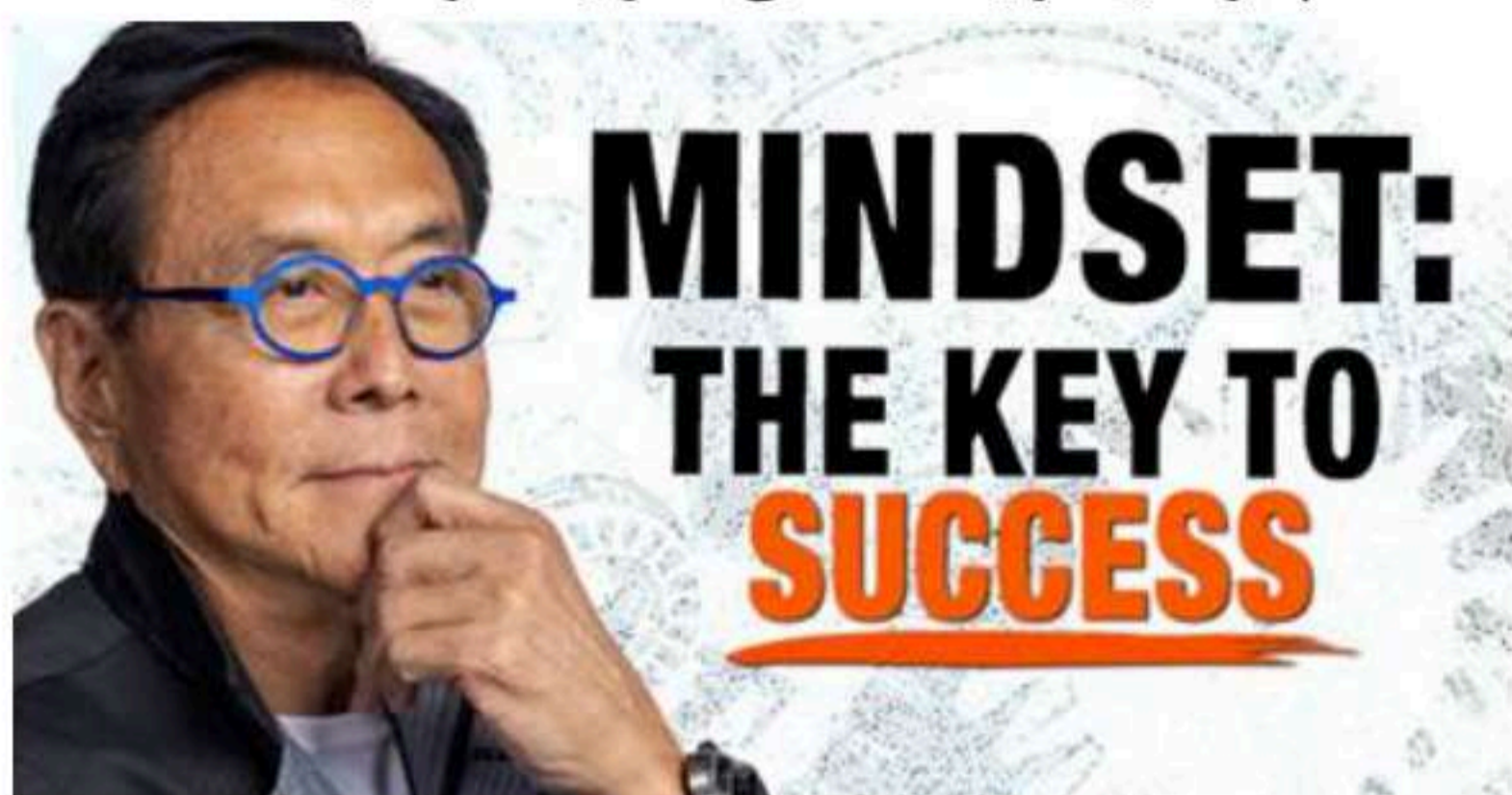
امروز همین سؤال را از خود پرسید. چند درصد از ثروت شما در همان ماه از ستون هزینه به ستون درآمد شما برمی‌گردد؟

اگر بتوانید درک کنید که چگونه این کار انجام می‌شود، شما نیز دنیایی از ثروت رو به افزایش پیدا خواهید کرد.

اگر نمی‌توانید این را ببینید، فردی را که به آن اعتماد دارید پیدا کنید و در مورد چگونگی امکان‌پذیر بودن آن صحبت کنید. بازی‌گردش مالی یکی از بهترین ابزارهای برای درک صورت‌حساب مالی و شناخت دارایی و بدهی و اجحاف آنها با حداقل هزینه است. هیچ‌گاه و به هیچ وجه از شرکت حتی یکبار در بازی‌گردش مالی پشیمان نخواهید شد و تا ابد به خود بابت این انتخاب تبریک خواهید گفت.

«یادداشت»

همه چیز در مورد داشتن طرز فکر درست است



برای چندین دهه، علامت میلیون دلاری معیار مشهور موفقیت بوده است. با این حال، برای اکثر مردم، ایده میلیونر شدن مانند یک رؤیا به نظر می‌رسد. ما اغلب اصطلاحاتی مانند این را در زندگی می‌شنویم: «اگر فقط می‌توانستم یک میلیون دلار درآمد داشته باشم، می‌توانستم با خیال راحت بازنشسته شوم.»

«وقتی بزرگ شدم، می‌خواهم میلیونر شوم!»

«من احساس می‌کنم یک میلیون دلار هستم.»

از نظر فرهنگی، ما در فکر کردن به یک میلیون دلار وسواس داریم؛ اما برای کسانی که می‌خواهند میلیونر شوند، یک خبر خوب و یک خبر بد وجود دارد. خبر خوب در مورد یک میلیون دلار

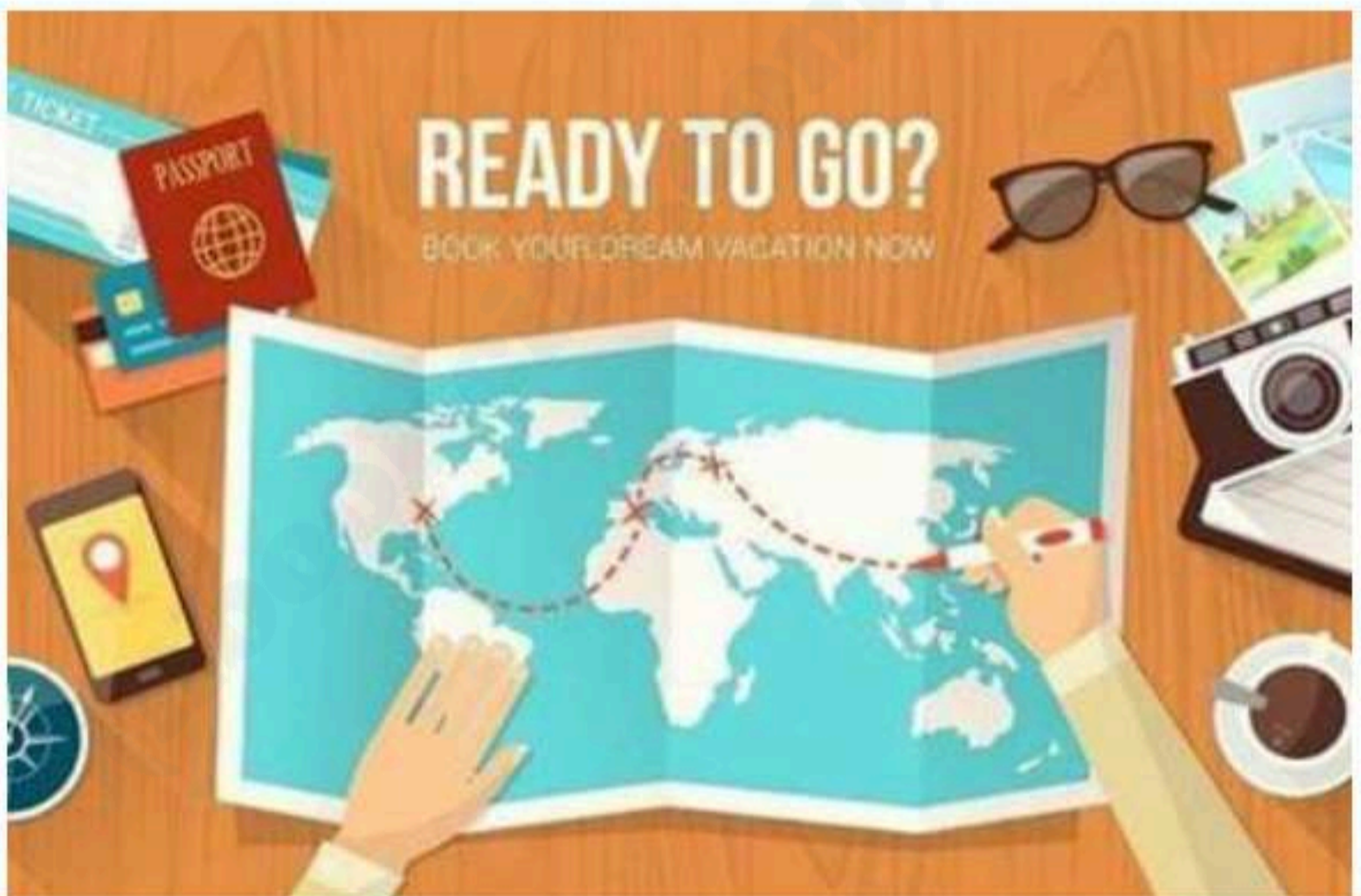
روزنامه USA Today گزارش می‌دهد که حداقل ۳۷ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند که برای بازنشستگی ایمن به حداقل ۱ میلیون دلار پس‌انداز نیاز دارند. اگرچه برای بسیاری از افراد که به نظر می‌رسد یک هدف طولانی است، واقعیت این است که پس‌انداز کردن یک میلیون دلار واقعاً کار سختی نیست - به خصوص اگر پس‌انداز را زود شروع کرده باشید.



بر اساس درآمدهای متوسط ارائه شده توسط اداره آمار کار، اگر در سن ۲۰ سالگی، ۱۳٪ از درآمد خود را پس انداز کنید و سالانه ۷٪ بازدهی را در طول عمر تا سن ۶۳ سالگی فرض کنید، می‌توانید آن میلیون دلار را در حساب خود داشته باشید.

آیا این واقع بینانه است؟

اما این مفروضات زمانی واقعی است که با فداکاری‌های بسیاری همراه باشد.



برای مثال، نرخ‌های پس انداز همیشه پایین هستند و حتی به ۷٪ مورد نیاز برای دستیابی به این اهداف پس انداز نزدیک نیستند؛ و دوم اینکه مدل‌های درآمد/هزینه مورد استفاده به سادگی واقعی نیستند.

همانطور که کریستی بییر نویسنده مطلب در روزنامه می‌نویسد:

طبق نظرسنجی مارس ۲۰۱۷ که توسط Bankrate از بیش از ۱۰۰۰ خانوار انجام شد، در واقع ۴۶ درصد از آمریکایی‌ها کمتر از ۵ درصد از درآمد خود را پس انداز می‌کنند. ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان در نظرسنجی گفتند که هیچ

چیزی از درآمد سالانه خود را پس انداز نمی کنند و تنها ۲۵ درصد از پاسخ دهندگان گفتند که ۱۱ درصد یا بیشتر پس انداز می کنند.

اما آیا این امکان برای یک فرد معمولی وجود دارد که واقعاً برنامه ریزی پس انداز لازم برای میلیونر شدن را اجرایی کند؟ هزینه های یک جوان ۲۰ ساله مقتصد را در نظر بگیرید که باید ۱۳/۳۵ درصد از درآمد متوسط ماهیانه ۲۲۸۸ دلاری را پس انداز کند.

اگر آن جوان ۲۰ ساله متوسط اجاره بها را در یکی از ۱۰ شهر ارزان ایالات متحده پردازد، هزینه مسکن ماهانه او ۶۳۲ دلار خواهد بود. حدود ۳۰۰ دلار ماهانه مالیات فدرال، متوسط پرداخت وام دانشجویی ۲۴۲ دلار، قبض مواد غذایی ارزان قیمت ۲۰۶ دلار، متوسط قبوض اینترنت و آب و برق ۳۶۴ دلار و متوسط هزینه های رفت و آمد ۲۱۶ دلار را اضافه کنید - جمعاً ماهانه ۱۹۶۰ دلار خرج می شود (البته فقط برای هزینه های ضروری).



اگر ما ۳۰۵ دلار را برای پس انداز کنار بگذاریم، برای جوان ۲۰ ساله ما فقط ۲۲ دلار پول نقد باقی می ماند و این شامل هزینه های تلفن همراه، لباس یا سرگرمی نمی شود.

اساساً موضوع به اینجا ختم نمی شود: اگر از بیست سالگی حد امکان در یکی از ۱۰ شهر ارزان آمریکا زندگی کنید، از ۹۹ درصد افراد در گروه سنی خود منظم تر هستید و هیچ کدام را ندارید. نکته اینکه ممکن است پس از ۴۳ سال زحمت به این نکته پی ببرید که در نهایت به اندازه کافی پس انداز کردید تا یک میلیونر شوید.

حالا یه خبر بد براتون دارم.

خبر بد در مورد یک میلیون دلار

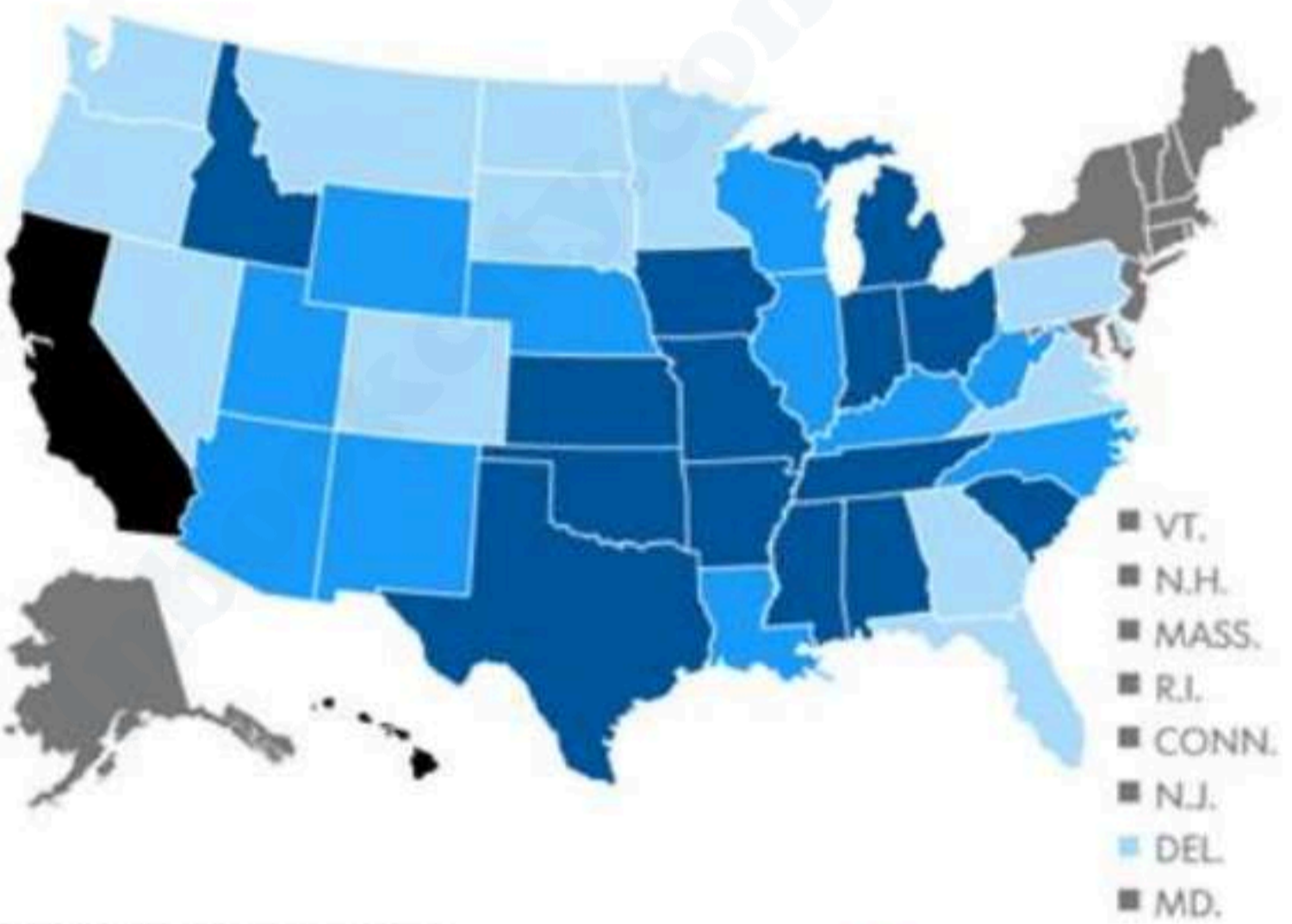
وقتی بعداً در زندگی شروع به پس انداز میلیون دلاری خود می کنید، سناریوهای بالا به طور فزاینده ای فانتزی تر می شوند و این دلیل دیگری است که ممکنه این مقاله را بخوانید و بخواهید زار زار گریه کنید.

در برخی از مناطق ایالات متحده، این پس انداز یک میلیون دلاری به سختی یک دهه دوام خواهد آورد. این را بر اساس مقاله دیگری در USA Today می گویم.

\$1 MILLION WOULD LAST ...

How many years \$1 million would last in each state, based on average expenditures:

- 24 or more years
- 23
- 20 to 23
- 19 to 17
- Less than 17



SOURCE GOBankingRates
Jim Sargent, USA TODAY

USA TODAY

همین طور اگر قصد زندگی در بخش جنوب شرقی ایالات متحده را داشته باشید، پول شما دوام زیادی نخواهد داشت.

همانطور که USA Today گزارش می دهد: «۵ ایالت برتر که در آن دلار شما کمترین دوام خواهد داشت» عبارتند از:

۱. هاوایی: ۱۱ سال و ۱۱ ماه ۱ میلیون دلار دوام خواهد داشت.

۲. کالیفرنیا: ۱۶ سال و ۵ ماه ۱ میلیون دلار طول خواهد کشید.

۳. **آلاسکا:** ۱۷ سال ۱ میلیون دلار دوام خواهد داشت.

۴. **نیویورک:** ۱۷ سال و ۱ ماه ۱ میلیون دلار طول می کشد.

۵. **ماساچوست:** ۱۷ سال و ۴ ماه ۱ میلیون دلار طول خواهد کشید.

اگر می خواهید این میلیون دلار تا زمانی که از نظر آماری در نهایت از دست بدهید، دوام بیاورد، باید در مکان هایی مانند می سی سی پی، آرکانزاس، اوکلاهاما، میشیگان یا تنسی زندگی کنید.

در حال حاضر، هیچ ایرادی در آن مکان ها وجود ندارد، اما بخش بزرگی از کشور را رها می کنید و واقعیت این است که بیشتر مردم نمی خواهند از مکان هایی که زندگی خود را در آن ساخته اند دور شوند تا بتوانند راحت بازنشسته شوند.

طرز فکر کلید موفقیت شماست

همه اینها یک حقیقت جهانی را نشان می دهد، پول شما را ثروتمند نمی کند.

بلکه ذهنیت و طرز فکر درست کار نهایی را انجام می دهد.

در واقع، ذهنیت اغلب خط جداکننده بین کسانی است که در زندگی موفق

هستند و کسانی که موفق نیستند.

اگر از طرفداران پر و پا قرص فوتبال **NFL** هستید، این هفته یک هفته بزرگ

برای شما خواهد بود. درفت **NFL** در لاس وگاس برگزار می شود.

برای کسانی که وارد **NFL** نیستند، درفت زمانی است که تیم های فوتبال

حرفه ای بازیکنان جوان را از کالج می خوانند و مبالغ فوق العاده ای را برای انجام

یک بازی به آنها می پردازند.

در سال ۲۰۱۴، جانی مانزیل، یا همان طور که او را «جانی فوتبال» می نامیدند،

توسط کلیولند براونز به عنوان بیست و دومین انتخاب در دور اول انتخاب شد.

قرارداد حاصل حدود ۸.۳ میلیون دلار با پاداش امضای ۴.۳ میلیون دلار بود.

جانی فوتبال یک شبه میلیونر شد.

اما در سال ۲۰۱۶، پس از یک رشته مشکلات خارج از زمین، براون ها جانی

فوتبال را حذف کردند و در طول درفت آن سال، مانزیل درفت **NFL** را به

عنوان یک بازیکن آزاد به تنهایی در یک بار تماشا کرد.

در **NFL** بازیکنان زیادی وجود دارند که مهارت ها و استعداد های طبیعی مانند

مانزیل را ندارند، اما پیشرفت می کنند. آنها ظاهر می شوند، کار می کنند و پیوسته

یاد گرفته و رشد می کنند. آنها به صحبت های مریبان خود گوش می دهند. آنها خود را با افراد باهوشی احاطه کرده اند که به جای پایین کشیدن آنها را بلند می کنند. آنها ذهنیت موفقیت دارند (طرز فکر یک حرفه ای، نه یک آماتور پرمدها).

من شخصاً جانی فوتبال را نمی شناسم، اما می توانم بگویم که سقوط سریع او از چیزهای زیادی نشأت می گیرد که کوچک ترین آنها یک طرز فکر ضعیف است. از کجا شروع کنیم

با نگاهی به نحوه استفاده از زمان خود شروع کنید. آیا آن را در راه های ناسالم هدر می دهید؟ آیا مکان هایی وجود دارند که بتوانید زمان خود را برای رشد به جای رکود هدر دادن، استفاده کنید؟

سپس به افرادی که با آنها معاشرت می کنید نگاهی بیندازید. آیا آنها ذهنیت بازنده ای دارند که شما را عقب نگه می دارد؟ آیا نیاز دارید که «دوستان» قدیمی خود را با دوستان جدیدی عوض کنید که به شما کمک می کنند بهتر از آنچه هستید شوید و ذهنیت جدیدی به شما می دهند؟

در نهایت به آنچه می خوانید و گوش می دهید نگاهی بیندازید. آیا ذهن خود را با چیزهایی پر می کنید که وضعیت موجود را تقویت می کند؟ یا ذهن خود را با چیزهایی پر می کنید که شما را به چالش می کشند و از شما می خواهند که بیشتر از آنچه هستید رشد کنید؟

طرز فکر خود را تغییر دهید تا آینده خود را تغییر دهید

وقتی صحبت از پول می شود، بهترین راه برای تغییر طرز فکر این است که با این حقیقت اساسی شروع کنید: سریع ترین راه برای ثروتمند شدن، سرمایه گذاری در دارایی هایی است که جریان نقدی ثابتی بریتان ایجاد می کنند.



اگر بتوانید تفکرات خود بر این پایه بنا کنید، در ساختن و حفظ ثروت از ۹۹ درصد همتایان خود پیشی خواهید گرفت.

و شما تا زمان بازنشستگی بیش از ۱ میلیون دلار خواهید داشت.

امروز، اگر به دیواری برخورد می‌کنید و موفقیتی را که انتظارش را داشتید تجربه نمی‌کنید، از شما می‌خواهم که نگاهی به طرز فکر خود بیندازید. جهان را چگونه می‌بینید؟ آیا در عادات و روش‌های قدیمی انجام کارهایی افتاده‌اید که منجر به عدم موفقیت در گذشته شده است تجدید نظر کرده‌اید؟

اگر چنین است، وقت آن است که از همان فرد بودن و انجام کارهای مشابه دست بردارید. امروز وقت تغییر است.

اگر برای شروع آماده هستید؟ مربیگری پدر پولدار را امتحان کنید یا در یک کارگاه آموزشی بازی شرکت کنید.

«یادداشت»

خانه شکلاتی



چگونه زنان جوان می‌توانند از زمان خود در خانه بهترین استفاده را ببرند
قبلاً یک زن جوان در آمریکا خانه را ترک می‌کرد، به دانشگاه می‌رفت و شوهر
خوبی پیدا می‌کرد. این مسیر امنیت مالی بود.

امروزه شرایط برای زنان جوان بسیار متفاوت شده است.

بر اساس گزارش **Business Insider** و تجزیه و تحلیل جدید توسط
مرکز تحقیقاتی پیو، «در مقایسه با هر زمان دیگری در ۷۰ سال گذشته، سهم
بیشتری از زنان جوان اکنون با والدین یا بستگان خود در خانه زندگی می‌کنند.»
بر کسی پوشیده نیست که یک دلیل بزرگ برای این امر آن است که وضعیت
بیکاری برای افراد ۱۶ تا ۲۴ ساله بیش از دو برابر میانگین ملی است - چیزی
که **NPR** به عنوان «نسل گمشده کارگران» گزارش می‌دهد.
دورنمای شغلی نامطلوب برای زنان جوان، همراه با این واقعیت که بسیاری از
آنها در مراحل بعدی زندگی خود ازدواج می‌کنند، منجر به زندگی بیشتر و بیشتر
آنها در خانه شده است.

برای بسیاری، این می‌تواند زمان از دست رفته‌ای باشد که برای یافتن شغل
سپری شده است؛ اما راه دیگری برای نگاه کردن به اقامت طولانی مدت با
مردم وجود دارد (به عنوان زمان آماده‌سازی برای رفاه آتی).
در زیر چهار راه برای به حداکثر رساندن بازدهی زمان خود در خانه و ایجاد یک
آینده آزاد از نظر مالی آورده شده است.
روی تحصیلات مالی خود تمرکز کنید

به احتمال زیاد، بیشتر زنان جوان در دانشگاه چیزهای زیادی در مورد نحوه
عملکرد پول یاد نخواهند گرفت. اکنون زمانی را که در اختیار دارید برای شروع

یک برنامه فشرده آموزش مالی اختصاص دهید. کتاب بخوانید، در سمینارها شرکت کنید، بازی‌هایی مانند بازی گردش مالی رابرت کیوساکی (البته نسخه اصل) را انجام دهید و با دیگرانی که همفکر هستند ارتباط برقرار کنید.



بیشتر برای یادگیری کار کنید

بیشتر مردم به شغل به عنوان وسیله ای برای کسب درآمد نگاه می‌کنند؛ اما ثروتمندان به کار به عنوان یک تجربه یادگیری نگاه می‌کنند که سود زیادی در آینده به همراه خواهد داشت. به جای جستجوی پردرآمدترین شغل، کاری بیابید که به شما امکان می‌دهد مهارت‌ها و بینش‌هایی را بیاموزید که بعداً به عنوان سرمایه‌گذار و صاحب کسب‌وکار برای موفقیت نیاز دارید.

یک مربی خوب پیدا کنید

علاوه بر تلاش برای یادگیری، همچنین فردی را که در زندگی موفق بوده است، بیابید که تحسینش می‌کنید و با او رابطه مربی و شاگردی برقرار کنید. زمان مشخصی را در تقویم برای ملاقات منظم با وی در نظر بگیرید و از وی بخواهید که شما را به سایر اساتید در حلقه خود معرفی کند که ممکن است به رشد شما نیز کمک کنند.

کمی ریسک کنید

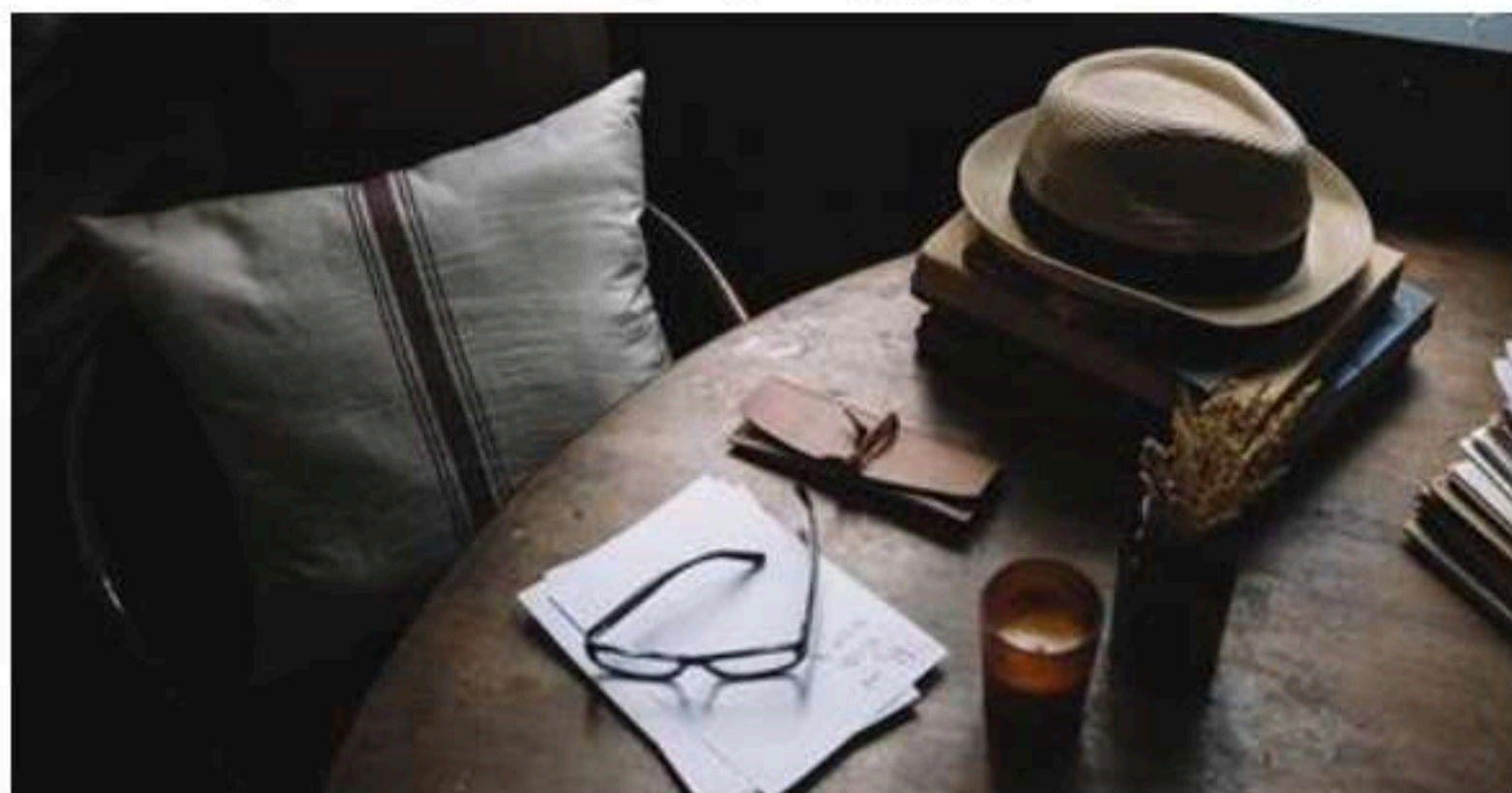
وقتی در خانه زندگی می‌کنید، ضرر ناشی از شکست کم است و دانشی که از آن به دست می‌آورید، زیاد خواهد بود. ایده‌ای برای کسب‌وکار دارید؟ آن را امتحان کنید. می‌خواهید سرمایه‌گذاری را شروع کنید؟ از کوچک شروع کنید و ببینید چه اتفاقی می‌افتد.



در پایان روز، کسانی که در زندگی موفق هستند، مسئولیت هر موقعیتی را که در آن قرار می‌گیرند، می‌پذیرند - از جمله مواقعی که از نظر مالی دچار افت می‌شوند. اکنون زمان آن است که کنترل وقت خود را در خانه داشته باشید. اگر این کار را بکنید، قول می‌دهم که زمانی که به آن برسید سال‌ها جلوتر خواهید بود.

www.inbookcity.com

بودجه‌بندی پول خود را جدی بگیرید



به دست آوردن بینش مالی شخصی از بودجه‌های تجاری اگر کارمند بوده‌اید، به خصوص اگر یک مدیر میانی یا مدیر یک شرکت بزرگتر بوده‌اید، همه چیز را در مورد برنامه‌های عملیاتی سالانه می‌دانید، آنچه که اکثر ما آن را بودجه می‌نامیم.

هر سال، میلیون‌ها کسب‌وکار در سراسر جهان این فرآیند را طی می‌کنند، جایی که درخواست‌ها برای هزینه‌ها وارد می‌شود، وضعیت مالی سال گذشته بررسی می‌شود و برنامه‌های هزینه برای سال آینده تنظیم می‌شود. باز هم، بسیاری از اوقات به این می‌گویند بودجه‌بندی که به یک معنا است؛ اما این در واقع برنامه‌ریزی مالی است.

بودجه اکثر مردم چقدر است

برای اکثر افرادی که در طبقه متوسط هستند، بودجه راهی است برای گرفتن مقدار درآمد شناخته‌شده - حقوق شما - و برنامه‌ریزی هزینه‌های خود بر اساس آن درآمد. این یک فرآیند نسبتاً ساده است (اگر سازماندهی شده باشید!). شما به سادگی هزینه‌های مورد انتظار خود را بر اساس روال گذشته بررسی می‌کنید و آنها را با درآمد کسب‌شده خود مطابقت می‌دهید.



اگر کمبودی وجود داشته باشد، هزینه‌ها را کاهش می‌دهید. اگر مازاد وجود دارد، شما تصمیم می‌گیرید که با پول اضافی چه کار کنید. به عنوان یک راهکار معمول، اغلب اوقات پول اضافی برای چیزی مانند تعطیلات یا خرید یک ماشین جدید خرج می‌شود، به این معنی که پولی که می‌تواند برای شما مفید باشد، اکنون شما را مجبور می‌کند که برای یک تعهد کار کنید.



نحوه بودجه‌بندی یک کسب و کار

از سوی دیگر، یک تجارت مانند طبقه متوسط بودجه‌بندی نمی‌کند. در عوض، یک کسب و کار واقعی اهداف مالی خود را برای سال آینده تعیین می‌کند، برنامه‌ای برای افزایش درآمد و برای دستیابی به آن اهداف تنظیم کرده و سپس هزینه‌ها را بر اساس آن برنامه بودجه‌بندی می‌کند - نه بر اساس آنچه در سال گذشته انجام داده است.

○ در یک تجارت، رشد همیشه نام بازی است.

○ در طبقه متوسط، مدیریت وضعیت موجود نام بازی است.

برای اینکه رؤیاهای خود را به واقعیت تبدیل کنید چه برنامه‌ای دارید؟
چگونگی انجام یک بودجه‌بندی پر قدرت

اگر بخواهم از شما بپرسم که چگونه بودجه‌بندی عالی انجام دهیم؟
امیدوارم بگویید: «مثل یک تجارت!» چون اگر این کار را می‌گفتی، دقیقاً حق با
تو بود.

بر خلاف طبقه متوسط، ثروتمندان به اهداف مالی فکر می‌کنند، برای رسیدن به
آن اهداف برنامه‌ریزی کرده و بر اساس آن برنامه بودجه‌بندی می‌کنند (نه
بر اساس وضعیت موجود). به این ترتیب، آنها همیشه از نظر شخصی در حال
رشد هستند، همانطور که یک تجارت همیشه از نظر عملیاتی در حال رشد است.
بیشتر شبیه یک تجارت (و ثروتمندان) فکر کنید

اگر متوجه شدید که بیشتر شبیه به طبقه متوسط بودجه‌بندی می‌کنید، یعنی
مدیریت وضعیت موجود، توصیه می‌کنم صفحه‌ای خالی را بردارید و امسال،
زمانی را به ارزیابی مالی که واقعاً می‌خواهید اختصاص دهید. جسور باشید! و
برای رسیدن به این اهداف مالی برنامه‌ریزی کنید.

به همین ترتیب، در هزینه‌های خود جسور باشید. چگونه رسیدن به اهداف مالی
به شما امکان می‌دهد از چیزی که همیشه می‌خواستید لذت ببرید؟ چگونه
می‌توانید درآمد خود را افزایش دهید تا از چیزهای زیباتر زندگی لذت ببرید؟ و
چگونه می‌توانید تضمین کنید که رشد مالی شما سال به سال پایدار و تداوم
می‌یابد؟

با تغییر طرز فکر خود به سمت یک تجارت (و ثروتمندان)، آینده مالی خود را
برای همیشه تغییر خواهید داد.

«یادداشت»

آیا بدهی دارم یا دارایی؟



آموزش مختصر در مورد دارایی‌ها و بدهی‌ها

پدرپولدار رابرت راهی برای بیان مسائل به زبان بسیار ساده داشت. تعریف او از

دارایی هنوز هم تعریفی است که من امروز از آن استفاده می‌کنم:

«یک دارایی، چه در حال کار یا نه، چیزی است که پول را در جیب شما

می‌گذارد.»

درک اینکه چرا این مهم است!

توضیح اینکه اگر امروز دست از کار بکشید، یعنی حقوق شما متوقف شود، از

کجا پول به جیب شما سرازیر می‌شود؟ اکثر زنان با کلمات «هیچ جا» پاسخ

می‌دهند. که این واقعاً فاجعه است.

پولی وجود نخواهد داشت

در اینجا چند نمونه از تفاوت بین دارایی‌ها و بدهی‌ها آورده شده است:

N یک دارایی ممکن است ملک اجاره‌ای باشد که دارای جریان نقدی مثبت

است. ممکن است کسب‌وکاری باشد که در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اید و هر سال

به شما جریان نقدی می‌دهد. این می‌تواند سهامی باشد که سود سهام پرداخت

می‌کند. نکته کلیدی این است که این سرمایه‌گذاری است که از آن به طور

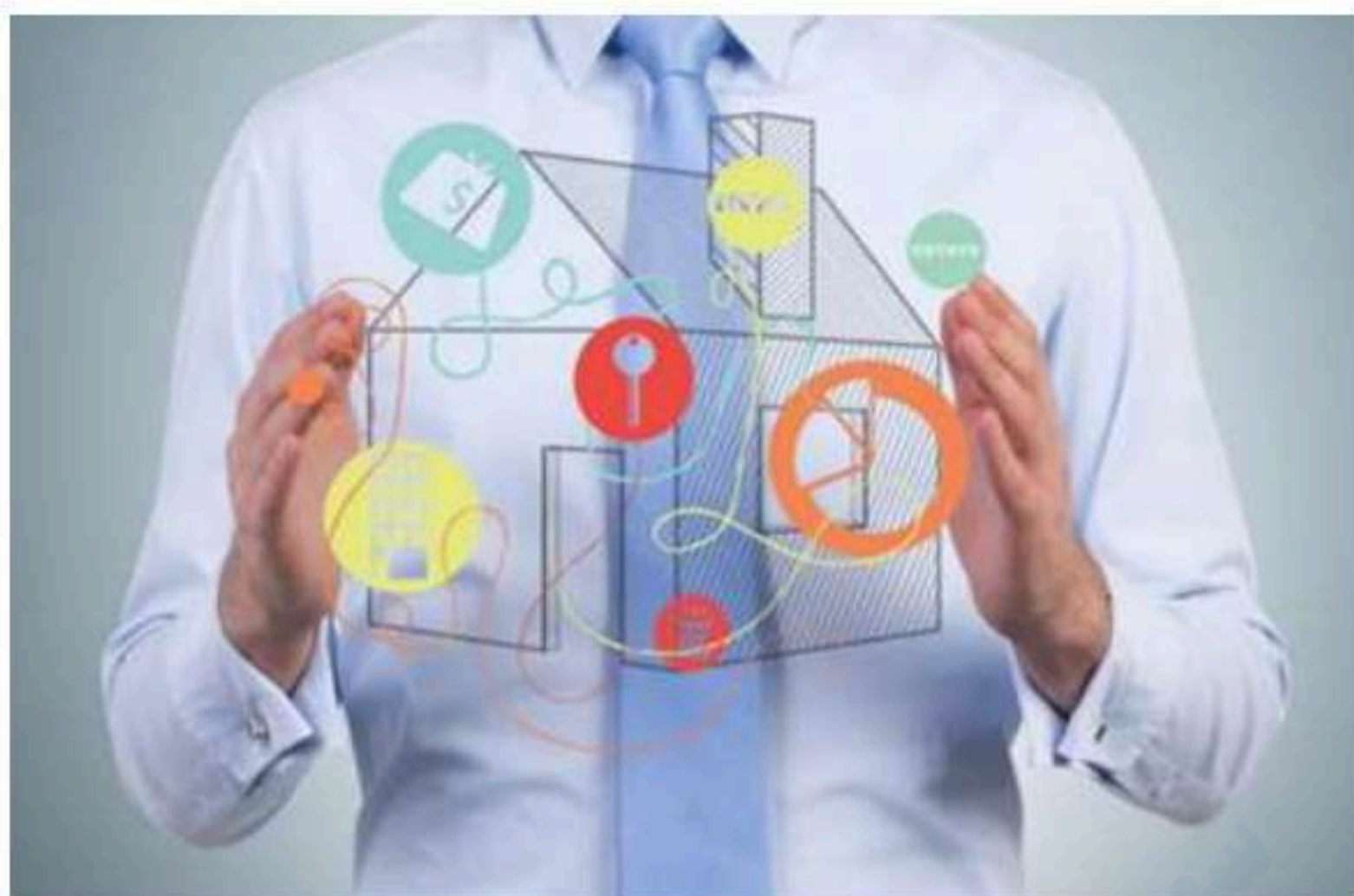
منظم پول دریافت می‌کنید و جریان نقدی مثبتی را فراهم می‌کند.

N از طرف دیگر بدهی چیزی است که از جیب شما پول خارج می‌کند. بنابراین،

اگر کار خود را متوقف کنید، مثلاً ماشین شما هر ماه از طریق پرداخت وام،

بنزین و تعمیر و نگهداری از جیب شما می‌گیرد. خانه شما هر ماه به صورت

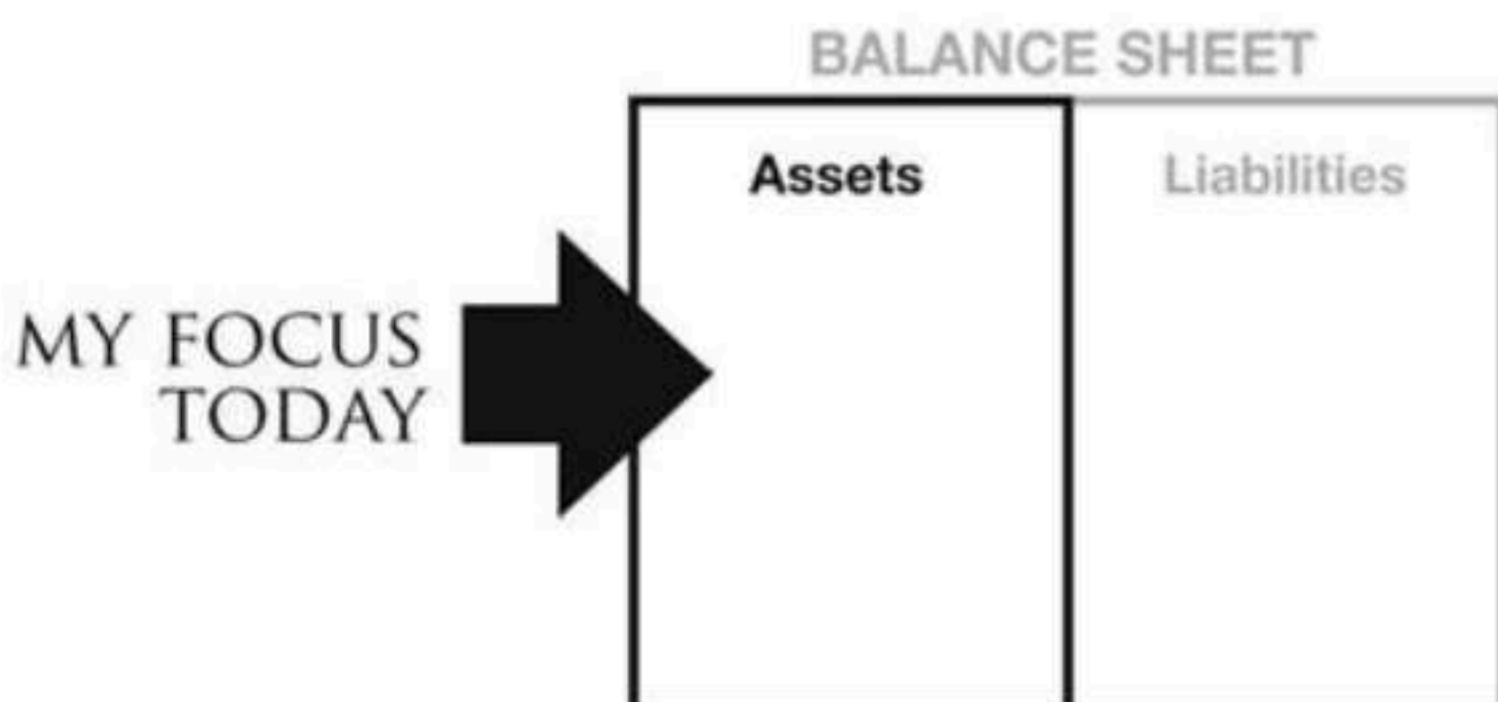
پرداخت وام مسکن، مالیات بر دارایی، بیمه و نگهداری از شما پول می گیرد.
همه اینها جریان نقدی منفی را ایجاد می کنند.



تمرکز خود را افزایش دهید
این پیامی است که من هنگام نگاه کردن به برگه صورت حساب مالی و
بخش های و ترازنامه دریافت کردم.



اما کلید آزادی مالی تمرکز بر کسب دارایی است.



همیشه به من می گفتند روی ستون درآمد تمرکز کنم. و برای این منظور به من یاد دادند که شغلی پیدا کنم، سخت کار کنم و حقوق بگیر باشم. یا اگر ساعتی کار می کردم، به من یاد دادند که باید ساعت های بیشتری جان بکنم یا نرخ ساعتی ام را افزایش دهم. خلاصه تمرکز همیشه بر درآمد بود، به ویژه درآمد معمولی به دست آمده (افزایش حقوق، دستمزد یا کمیسیون)، تا زمانی که تمرکز و توجهم را به حقوق سرمایه معطوف می کنم، باید تمام عمرم برای آن پول سخت کار خواهم کرد.

اما چراغها زمانی روشن شدند که متوجه شدم کلید رفاه مالی تمرکز بر کسب درآمد نیست، بلکه تمرکز بر کسب دارایی است.

وقتی این آگاهی را دریافت کردم، زندگی برایم آسان تر شد، هم در زندگی مالی شخصی و هم در تجارت ما و هم در شرکت پدر پولدار. من بر کسب دارایی ها به صورت شخصی و همچنین بر دارایی هایی که در شرکت خود می ساختیم تمرکز کردم.



من همچنین شروع به پرسیدن یک سؤال مهم کردم:

امروز چه دارایی‌های جدیدی می‌سازم؟

این در واقع نگاهی متفاوت به جهان است.

متفاوت فکر کردن در مورد لذت بردن از چیزهای خوب

چند بار تا به حال چیزی می‌خواستید - یک ماشین جدید، یک خانه بزرگتر،

گوشواره الماس، یک کیف دستی طراح - اما به خودتان گفتید، «نه، من

نمی‌توانم آن را داشته باشم» زیرا قادر نیستید آن را بخرید؟ شاید با یادآوری

اینکه «هیچ کس در زندگی به هر چیزی که می‌خواهد نمی‌رسد» یا «شاید

روزی» خود را دلداری داده باشید.

من یک بار همین احساس را داشتم.

برای مثال، سال‌ها پیش، چیزی را پیدا کردم که واقعاً می‌خواستم: یک قایق

بادبانی زیبا به طول ۶۰ فوت. اما دو مشکل وجود داشت: (۱) ما برای آن پول

نداشتیم (۲) بعلاوه می‌دانستیم که داشتن یک قایق یک مسئولیت بزرگ است! یا

حداقل این چیزی است که ما فکر می‌کردیم.

اما من واقعاً آن قایق بادبانی را می‌خواستم، بنابراین شروع کردم به بررسی

راه‌هایی که به من اجازه می‌دهد قایق را بخرم و آن را به یک دارایی تبدیل

کنم. به جای اینکه بگذاریم آن در اسکله‌ای در هاوایی قرار بگیرد و هر ماه

چک بنویسیم تا هزینه نگهداری و وام آن را پردازیم، قایق را به یک شرکت

اجاره‌ای قرار دادیم. تا وقتی از قایق استفاده نمی‌کنیم، در سراسر جزایر هاوایی

اجاره داده شود. پول حاصل از تجارت چارتر هزینه‌های قایق را می‌پردازد. باور کن، وقتی دارایی‌ها و بدهی‌ها با هم ادغام می‌شوند بسیار رضایت‌بخش است!



ما همین کار را با خانه تعطیلات خود در هاوایی انجام می‌دهیم. خانه زیبایی است، اما از آنجایی که ما در آریزونا زندگی می‌کنیم، زیاد آنجا نیستیم. بنابراین، ما آن خانه را در بیشتر مواقع سال با هزاران دلار در روز اجاره می‌دهیم. جریان نقدی به راحتی هزینه‌های خانه را پوشش داده و سپس مقداری را هم به ما می‌پردازد. یک بار دیگر، ما راهی برای ترکیب دارایی‌ها و بدهی‌ها پیدا کردیم. و بهترین بخش این است که هر زمان که بخواهیم از قایق و خانه لذت می‌بریم، همه هزینه‌ها توسط درآمدهایی که آنها را ایجاد کرده‌ایم پرداخت می‌کنیم.

طرز فکر خود را تغییر دهید تا زندگی‌تان تغییر کند

وقتی من و رابرت با هم ازدواج کردیم، درباره پول و اینکه چگونه به عنوان یک زن و شوهر می‌خواهیم به آن نزدیک شویم، صحبت کردیم. تا به قانون طلایی مالی رسیدیم: هر پولی در ستون دارایی در ستون دارایی می‌ماند. قانون دیگری که به آن رسیدیم این بود که اگر هر کدام از ما چیز سرگرم کننده‌ای مانند قایق بادبانی می‌خواستیم، هرگز نگوییم «نه». در عوض، ما همیشه می‌گفتیم: «چطور؟»

اینگونه زندگی کردن به طرز فکری شما بستگی دارد. هم من و هم رابرت فکر می‌کنیم خیلی وحشتناک است که به مردم بگوییم نمی‌توانند آنچه را که می‌خواهند داشته باشند - چه راه وحشتناکی برای گذراندن زندگی! چون زندگی

بسیار کوتاه است و نه نباید حسرت‌بار از کنار چیزهایی که دوست داریم رد شویم.

با تغییر ذهنیت خود از «من نمی‌توانم این هزینه را پردازم» به «چگونه می‌توانم این کار را پردازم؟» شما می‌توانید به معنای واقعی کلمه زندگی خود را تغییر دهید. شما باید بدهی‌هایی برای خود ایجاد کنید که می‌توانند شما را ثروتمندتر کنند زیرا در یافتن راه‌هایی برای رفع آنها با ایجاد یا سرمایه‌گذاری، در دارایی‌های نقدی خلاق می‌شوید.

مهم‌ترین غذای آماده

دلیل اینکه افراد از نظر مالی دچار مشکل می‌شوند یا هرگز در زندگی پیشرفت نمی‌کنند این است که بدهی‌هایی دارند که به آنها داده شده که آنها را دارایی بدانند.

یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که از پدر پولدار آموختم، دانستن تفاوت بین دارایی و بدهی بود. هنگامی که آن را کاهش دهید، متوجه خواهید شد که استراتژی برای دستیابی به ثروت بی‌نهایت، که در آن جریان نقدی وارد شده برابر یا بیشتر از هزینه‌های ماهیانه شما باشد، بسیار ساده است: تمرکز بر درآمد را متوقف کنید و شروع به بدست آوردن دارایی‌هایی کنید که باعث می‌شود شما جریان نقدی داشته باشید.

بر کسی پوشیده نیست که هر کجا زمان، انرژی و تمرکز خود را بیشتر بگذارید در زندگی شما تأثیر خواهد داشت. بنابراین اگر می‌خواهید به رؤیاهای مالی خود برسید، ممکن است بخواهید زمان، انرژی و تمرکز خود را روی کسب دارایی بگذارید.

من و رابرت بازی رومیزی گردش مالی را طراحی کردیم تا به شما یاد دهیم چگونه در مورد پول و ثروت متفاوت فکر کنید. هرچه با دارایی‌ها و بدهی‌های رایج بیشتر آشنا شوید، راه‌حل‌های شما برای اطمینان از داشتن هر آنچه در زندگی می‌خواهید، خلاقانه‌تر خواهد بود.



امروز روزی است که باید ذهنیت خود را در مورد پول تغییر دهید. واقعاً چه چیزی را می‌خواهید و چگونه می‌خواهید به آن برسید؟

کتاب (nbookcity.com)

آیا مشاغل گیگی ۳ راهی به سوی کارآفرینی هستند؟



آنچه ده سال یکی از سریع‌ترین صنایع در حال رشد به ما آموخته است در طول ۱۰ سال گذشته، به دلیل افزایش مشاغل اقتصاد گیگی، دنیای کار به طرز چشمگیری تغییر کرده است.

به نظر می‌رسد این روزها نمی‌توانم به خواربارفروشی بروم بدون اینکه کارگران اینستاکارت را ببینم که سبدهای خرید را برای افرادی که کارهای بهتری نسبت به خرید خودشان دارند بار می‌کنند.

یا تصور کنید این روزها واقعاً مجبور به تاکسی گرفتن هستید؟ باز کردن ۴ Uber یا Lyft برای سواری بسیار ساده‌تر است. من آن برچسب‌ها، گاهی هر دوی آنها را همیشه در شیشه ماشین‌ها می‌بینم.

بدون بیرون رفتن از خانه غذا را از رستوران مورد علاقه خود غذا سفارش می‌دهید؟ یک کار اقتصادی گیگی برای آن نیز وجود دارد. کافی فقط برنامه سفارش غذای خود را فعال کرده و سفارش خود را ثبت کنید. شما می‌توانید آن دو سفارش را بدون بیرون آمدن از خانه داشته باشید.



مشاغل مدرن در حال تسخیر بازار هستند؟

بر اساس گزارش CNBC، اقتصاد گیگی در حال تسخیر بازار کار است. بیش از ۶۰ میلیون کارگر در این صنعت در حال رشد مشارکت دارند. همانطور که CNBC گزارش می‌دهد: «در واقع، یک نظرسنجی اخیر که توسط پلتفرم فریلنسر آنلاین Upwork و اتحادیه فریلنسرها انجام شده است نشان می‌دهد که نیروی کار آزاد سه برابر سریع‌تر از کل نیروی کار ایالات متحده رشد می‌کند و اکثریت افراد تا سال ۲۰۲۷ به طور مستقل کار خواهند کرد.» البته، پلتفرم‌های فریلنسری می‌خواهند یک مطالعه برای گفتن این موضوع انجام شود، اما با این وجود رشد قوی است.

آنی لوری که برای مجله «آتلانتیک» برداشتی کمی متفاوت دارد می‌نویسد: «هفته گذشته دو اقتصاددان با نفوذ نیروی کار، تخمین بسیار مورد اشاره خود را از اندازه نیروی کار جایگزین، یعنی کارگرانی که در موقعیت‌های موقت، در حال خدمت، قراردادی یا آزاد هستند، اصلاح کردند. لارنس کاتز از هاروارد و آلن کروگر از پرینستون در ابتدا دریافتند که این نیروی کار در دهه منتهی به سال ۲۰۱۵ پنج درصد رشد داشته است که تقریباً کل ایجاد شغل در آن دوره زمانی را تشکیل می‌دهد. حالا فکر می‌کنند بیشتر شبیه یکی دو نقطه است. تصحیح آنها مدت کوتاهی پس از یک نظرسنجی بزرگ دولتی انجام شد - که بسیاری از کارشناسان نیروی کار و نیروی کار را متعجب کرد - نشان داد که ۳.۸ درصد از کارگران تا سال ۲۰۱۷ مشاغل "احتمالی" داشتند، (تقریباً مشابه با سال

۲۰۰۵)»

نکته لوری این است که مشاغل اقتصادی گیگی، در حالی که حتی در ۱ تا ۲ امتیاز قوی می‌شوند، مشاغل واقعی به معنای سنتی اشتغال تمام‌وقت نیستند، بلکه مشاغل جانبی (یا فرعی) هستند تا به جبران شکاف‌های درآمدی از یک شغل کامل موجود کمک کنند؛ به عبارت دیگر، آنها راه جدیدی برای انجام کار دوم هستند.

چرا مردم مشاغل نوین و مدرن را انتخاب می‌کنند
برای اینکه نیازهای درآمدی را کنار بگذاریم، دلایل دیگری نیز وجود دارد که چرا به نظر می‌رسد مردم تا این حد جذب اقتصاد گیگی شده‌اند.



اولاً، مردم نگران هستند که شغلشان در ۲۰ سال آینده وجود نداشته باشد. طبق یک مطالعه آکسفورد به نقل از Wonolo.com، «اگرچه بیکاری کم است، اتوماسیون برای بسیاری از مشاغل نیز تهدیدی است. یک مطالعه دانشگاه آکسفورد نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از مشاغل آمریکایی در دو دهه آینده توسط اتوماسیون تهدید می‌شوند. این عمیقاً در نیروی کار نیز احساس می‌شود، به طوری که ۵۴ درصد از نیروی کار ایالات متحده می‌گویند که مطمئن نیستند شغلشان هنوز در ۲۰ سال آینده وجود داشته باشد.»

Wonolo.com همچنین دلایلی را ذکر می‌کند که افراد مشاغل اقتصاد گیگی را بر اساس تحقیقات خود انجام می‌دهند:

- مجموعه‌ای از مشتریان از یک کارفرما قابل اعتمادتر است: ۶۳٪
- کسب درآمد بیشتر و درآمد مکمل: ۵۷٪
- ایجاد و کنترل کار و برنامه‌های خود: ۴۶٪
- افزایش تعادل کار و زندگی: ۳۵٪

○ ۴۱ درصد از فریلنسرهای مورد بررسی گفتند که علاوه بر کار آزاد، شغل دائمی نیز دارند.

هزینه مشاغل اقتصاد گیگی

البته هزینه‌های پنهانی برای این نوع مشاغل وجود دارد که عمدتاً مزایای سنتی است که کارمندان از کارفرمایان برخوردار می‌شوند. از آنجایی که کارگران گیگی به عنوان پیمانکاران طبقه بندی می‌شوند، بیمه درمانی ندارند، مالیات بیشتری می‌پردازند، سهم تأمین اجتماعی از یک کارفرما ندارند، برنامه‌های ۴۰۱k ندارند و موارد دیگر.



فاجعه این است که کارمندانی که در حال حاضر در ناامن‌ترین موقعیت‌ها در اقتصاد قرار دارند - کارفرما می‌تواند هر زمان که بخواهد آنها را اخراج کند - اکنون به دنبال چیزی هستند که به نظر کارآفرینی است، اما در عوض صاحب شدن شغلی با ناامنی بیشتر از زمانی هستند که آنها کارمند بودند.

آیا شغل در اقتصاد گیگی برای شما مناسب است؟

اغلب سؤالاتی در مورد اینکه آیا اقتصاد گیگی برای اکثر مردم مناسب است یا خیر، از من می‌پرسند و پاسخ من مثل همیشه، این است: "بستگی دارد." بستگی به این دارد که شما در حال تلاش برای انجام آن هستید. اگر می‌خواهید مقداری پول جانبی برای سرمایه‌گذاری در حین کار تمام‌وقت استفاده کنید، ممکن است برای شما مناسب باشد. با این حال، اگر می‌خواهید صاحب کسب و کار باشید، احتمالاً اینطور نیست.

همانطور که گفته شد، واقعیت این است که کسانی که در اقتصاد گیگی کار می‌کنند، صاحب کسب و کاری نیستند. بلکه حقوق‌بگیر هستند و در بسیاری از موارد، مزایایش بدتر از کسانی است که به طور تمام‌وقت کار می‌کنند.

طبق گزارش اخیر Prudential Financial Inc:

تنها ۷ درصد از افرادی که فقط در اقتصاد گیگی کار می‌کنند، «کارگران فقط گیگی»، بیمه از کار افتادگی طولانی مدت داشتند. این ۲۱ درصد در میان کارگرانی بود که کار خدماتی انجام می‌دادند و یک شغل سنتی تمام‌وقت یا پاره‌وقت داشتند، «کارگران گیگ پلاس».

تنها ۲۰ درصد از کارگران فقط گیگی و ۳۷ درصد کارگران گیگ پلاس بیمه عمر دارند.

بعلاوه، ۱۶ درصد از کارگرانی که فقط شرکت دارند و ۲۵ درصد کارگران گیگ پلاس دارای دارایی در طرح بازنشستگی تحت حمایت کارفرما هستند، در مقایسه با ۵۲ درصد افرادی که مشاغل تمام‌وقت سنتی دارند.

علاوه بر این، کسانی که فقط در اقتصاد گیگ کار می‌کنند، ۳۶۵۰۰ دلار در سال در مقابل ۶۲۷۰۰ دلار برای کارمندان تمام‌وقت درآمد دارند.

تنها مزیت اقتصاد گیگی کنترل بر برنامه شماست... به جز اینکه باید آنقدر کار کنید که نتوانید از آن لذت ببرید.

حرکت از حقوق‌بگیری به خویش‌فرمایی ^۵

بسیاری از مردم بر این باورند که راه رسیدن به امنیت مالی و خوشبختی این است که کار خودتان را انجام دهید؛ بنابراین، من می‌توانم از انگیزه‌های کسانی که می‌خواهند یک شغل اقتصادی گیگی پیدا کنند، قدردانی کنم. این ظاهری دارد که انگار کار خودتان را انجام می‌دهید.

اما در بیشتر موارد، به سادگی از حقوق‌بگیر بودن به سمت خویش‌فرمایی حرکت می‌کند حرکت از بخش E به بخش S، سمت چپ چهارراه پولسازی.



در بخش **S**، شما واقعاً کار خودتان را انجام نمی‌دهید. در عوض شما زمان و خدمات خود را می‌فروشید تا به حمایت از شخص دیگری کمک کنید تا کار خودش را انجام دهد. بدتر از آن، همانطور که گزارش **Prudential** اشاره می‌کند، بخش **S** بسیار خطرناک است. شما مزایای سنتی ندارید که حداقل حقوق‌بگیران از آن بهره می‌برند و زمانی که زمان کاهش هزینه‌ها فرا می‌رسد، پیمانکاران اولین کسانی هستند که می‌روند.

مهارت‌های تجاری نوع **S** در مقابل مهارت‌های تجاری نوع **B** کسب‌وکارهای نوع **S** و کسب‌وکارهای نوع **B** دارای نقاط قوت، ضعف، خطرات و پاداش‌های متفاوتی هستند. بسیاری از افرادی که می‌خواهند کسب‌وکار نوع **B** را راه‌اندازی کنند، با کسب‌وکار نوع **S** مواجه می‌شوند و در تلاش خود برای حرکت به سمت راست چهارراه پولسازی متوقف می‌شوند.

بسیاری از مردم تلاش می‌کنند از بخش **S** به بخش **B** حرکت کنند، اما تنها تعداد کمی از کسانی که این کار را انجام می‌دهند، واقعاً آن را انجام می‌دهند. چرا؟ زیرا مهارت‌های فنی و افراد مورد نیاز برای موفقیت در هر بخش چهارراه پولسازی متفاوت است. شما باید مهارت‌ها و طرز فکر مورد نیاز یک بخش را بیاموزید تا در آنجا به موفقیت واقعی برسید.

اگر صاحب یک کسب و کار نوع **B** هستید، ممکن است یک سال به تعطیلات بروید، برگردید و کسب و کار خود را سودآورتر از زمانی که آن را ترک کردید

پیدا کنید. در کسب و کارهای نوع S، اگر یک ساله به تعطیلات بروید، کاری برای بازگشت نخواهید داشت.

تفاوت در چیست؟

باز هم به سادگی می‌گوییم، یک کسب و کار نوع S صاحب شغل است. یک کسب و کار نوع B مالک یک سیستم است و سپس کارکنان ماهری را برای راه‌اندازی آن سیستم استخدام می‌کند. به همین دلیل است که اگر یک صاحب کسب و کار نوع B در تعطیلات باشد، هنوز درآمد حاصل می‌شود. برای موفقیت، یک صاحب کسب و کار نوع B نیاز به موارد زیر دارد:

○ مالکیت و کنترل یک سیستم

○ توانایی رهبری مردم

برای اینکه S ها به B تبدیل شوند، باید کسانی که هستند و آنچه می‌دانند را به یک سیستم تبدیل کنند و بسیاری از مردم قادر به انجام این کار نیستند - به خصوص در اقتصاد گیگ. برای مثال، تبدیل شدن از یک راننده Uber به داشتن خدمات رانندگی شخصی که رانندگان دیگر را استخدام می‌کند، بسیار دشوار است. اوبر میلیاردها دلار برای ساختن سیستم‌ها و ساختارها هزینه کرده است تا کسب و کاری مانند آن را توسعه دهد.

آیا می‌توانید همبرگری بهتر از مک‌دونالد درست کنید؟

برای نشان دادن درست بود این نظریه، تکنیکی را به اشتراک می‌گذارم که وقتی از من برای راه‌اندازی یک کسب و کار راهنمایی می‌خواهد، مشخص کنم که آیا فردی S یا B است.

معمولاً این افراد به من می‌گویند که ایده خوبی برای یک محصول یا ایده جدید دارند. معمولاً حدود ۱۰ دقیقه گوش می‌دهم و در این مدت می‌توانم بگویم تمرکز آنها کجاست، محصول یا سیستم. در این ۱۰ دقیقه معمولاً جملاتی مانند این را می‌شنوم:

○ «این محصول بسیار بهتر از XYZ است.»

○ «من همه‌جا را گشتم و هیچ‌کس این محصول را ندارد.»

○ «من ایده این محصول را به شما خواهم داد. تنها چیزی که می‌خواهم ۲۵

درصد از سود است.»

○ «من سال‌ها روی این محصول کار کردم.»

در این مرحله، من معمولاً یک چیز می‌پرسم: «آیا شما شخصاً می‌توانید همبرگر بهتری از مک‌دونالد درست کنید؟»

تا الآن همه گفتند بله. همه آنها می‌توانند همبرگر بهتری تهیه کنند.

سپس می‌پرسم: «آیا می‌توانید شخصاً تجارتی بهتر از مک‌دونالد بسازید؟» این جاست که افراد در صورت داشتن کمی دانایی در سکوت متفکرانه به من نگاه می‌کنند.



برگر در مقابل کسب و کار

برخی افراد بلافاصله تفاوت را می‌بینند ... و برخی نه. تفاوت این است که آیا فرد در سمت چپ چهارراه‌پولسازی است یا خیر، در سمت E و S که بر روی ایده یک همبرگر بهتر متمرکز است. یا در سمت راست چهارراه‌پولسازی B و I که بر روی سیستم تجاری متمرکز است.

من تمام تلاش‌م را می‌کنم تا توضیح دهم که کارآفرینان زیادی هستند که محصول یا خدمات بهتری ارائه می‌دهند، همانطور که میلیاردها نفر می‌توانند همبرگر بهتری نسبت به مک‌دونالد بسازند - اما فقط مک‌دونالد سیستمی ایجاد کرده است که به میلیاردها نفر خدمت کرده است.

اگر مردم شروع به دیدن این حقیقت کردند، به آنها پیشنهاد می‌کنم که از مک‌دونالد بازدید کنند، یک همبرگر بخرند و بنشینند و سیستمی را که آن برگر را تحویل می‌دهد مشاهده کنند. به کامیون‌هایی که گوشت گاو را تحویل می‌دهند، دامدارانی که گاو را پرورش داده‌اند و تبلیغات تلویزیونی که آن را

می‌فروشند، توجه داشته باشید. به آموزش و کارمندان توجه کنید. دکور، دفاتر منطقه‌ای و کل شرکت را ببینید. اگر شما بتوانند کل تصویر را درک کنید، در این صورت شانس حرکت به سمت B-I چهارراه پولسازی را خواهید داشت.

می‌خواهید در کدام سمت چهارراه پولسازی باشید؟

واقعیت این است که ایده‌های جدید نامحدود توسط میلیاردها نفر با محصولات و خدمات برای ارائه وجود دارند اما تنها تعداد کمی از مردم هستند که می‌دانند چگونه یک سیستم تجاری عالی بسازند. اگر هدف واقعی شما در زندگی این است که آرزوهای خودتان را دنبال کنید و کسب و کاری پر رونق داشته باشید، من شما را تشویق می‌کنم که از مشاغل اقتصادی گیگی خودداری کنید و سرمایه‌گذاری در ساختن سیستمی را شروع کنید - شاید حتی سیستمی که بتواند برای دیگران برنامه‌هایی ارائه دهد.



در پایان، سؤال این است که مثل همیشه، می‌خواهید در کدام سمت چهارراه پولسازی قرار بگیرید؟ برای پاسخ دادن درست به این سؤال پیشنهاد می‌کنم فقط یکبار در بازی گردش مالی شرکت کنید.

دلیل شماره یک شکست کارآفرینان



تسلط بر خود برای تسلط بر آینده خود

هیچ چیز خاصی در مورد کارآفرین بودن وجود ندارد. در واقع، هر کسی می‌تواند یکی از آنها باشد. در همسایگی من، دو بچه کوچک یک غرفه لیموناد راه انداختند. آنها کارآفرین هستند من یک دوستی دارم که هفته‌ای یکبار می‌آید و کارهای حیاط من را انجام می‌دهد. او یک کارآفرین است. همین امر در مورد تعدادی از پیمانکاران نیز صدق می‌کند که من از آنها به عنوان مشاور در تجارت خود استفاده می‌کنم. آنها هم کارآفرین هستند.

مشکل اکثر این افراد در کارآفرین نشدن اشتباه کردن آن با خوداشتغالی است. هر کارآفرینی باید از جایی شروع کند. من هم با خوداشتغالی شروع کردم؛ اما به سرعت فهمیدم که اگر می‌خواهم واقعاً خودم و تجارت‌م را رشد دهم، چیزی باید تغییر کند.

برای اینکه از خودم به داشتن صدها کارمند برسیم، باید مهارت‌های مختلفی داشته باشیم.

مهارت فروش

ابتدا باید یاد می‌گرفتم که چگونه بهتر بفروشم. می‌دانستم که اگر فروش را یاد بگیرم، می‌توانم مهارت‌هایی را که برای رشد درآمد کسب و کارم نیاز دارم، بیاموزم.



برای تقویت این مهارت، با شرکت زیراکس کار کردم و مجبور شدم به عنوان فروشنده رشد کنم یا اخراج شوم. من این کار را برای بالا رفتن از نردبان حقوق‌بگیری شرکت بر عهده نگرفتم. بلکه کار کردم تا بیشتر در مورد فروشندگی یاد بگیرم من همچنین وقت گذاشتم و برای یک موسسه خیریه محلی داوطلب شدم و برای جمع‌آوری پول تماس گرفتم. من از این کار متنفر بودم، اما می‌دانستم که برای موفقیت به آن نیاز دارم. توانایی امروز من برای فروش نتیجه مستقیم آن سرمایه‌گذاری‌هایی است که روی خودم به عنوان یک مرد جوان انجام داده‌ام.

مهارت رهبری

در دومین قدم، من می‌دانستم که وقتی شرکت را بزرگ کنم، باید کارمندانی را استخدام کنم. مدیریت کردن خود به اندازه کافی سخت است، (چه رسد آموزش و نظارت بر دیگران). یکی از سخت‌ترین دوره‌های رشد برای یک کارآفرین، یادگیری نحوه رهبری، مدیریت و تکثیر افراد خبره دیگر است. با این حال، هنگامی که بر این مهارت مسلط شدید، می‌توانید به طور تصاعدی رشد کنید.



دامی که بسیاری از کارآفرینان در آن گرفتار می‌شوند این است که فکر می‌کنند در همه چیز متخصص هستند و باید هر کاری را خودشان انجام دهند. در واقع آنها در تجارت خود به دیگران اعتماد ندارند. حقیقت این است که شما در همه چیزها متخصص نیستید و احتمالاً نمی‌توانید همه کارها را خودتان انجام دهید. به احتمال زیاد، شما یک یا دو مهارت دارید که در آنها عالی هستید و باید روی آنها تمرکز کنید. ایجاد تیمی از متخصصان نحوه رشد یک کارآفرین واقعی خود و کسب و کار است. داشتن کارکنانی که می‌توانید به آنها اعتماد کنید و در کارهایی که انجام می‌دهید سهیم شوند، به آنها این امکان را می‌دهد تا همانطور که شما روی کسب و کارتان کار می‌کنید، آنها نیز در کسب و کار شما نیز کار کنند. همانطور که پدر پولدار می‌گفت: «کسب و کار و سرمایه‌گذاری ورزش‌های گروهی هستند.»



خوشبختانه، پدر پولدارم روی من سرمایه‌گذاری کرد و درس‌های مهم رهبری را به من آموخت. این امر من را به اهمیت داشتن یک مربی متقاعد کرد. سعی نکنید بدون اینکه ابتدا خودتان را آموزش دهید، کارآفرین شوید. بازی رومیزی گردش مالی یکی از بهترین گزینه برای درک ملموس این اهمیت است.

مهارت تسلط بر خود

اما مهمترین مهارتی که باید یاد می‌گرفتم تسلط بر خود بود.

فقدان این مهارت دلیل شماره ۱ شکست بیشتر کارآفرینان است. تسلط بر خود به معنای یادگیری نحوه کنترل ترس، احساسات، تردیها، بدن، ذهن و روح

است. اگر بتوانید یاد بگیرید که چگونه بر این چیزها مسلط شوید می‌توانید جهان را کنترل کنید.

هر بار که از کارمندی عصبانی شدم، باختم. هر بار که وقتی صورت جریان نقدی‌ام امیدوارکننده به نظر نمی‌رسید احساس ترس کردم، باختم. هر بار که وارد مارپیچ نزولی کار در تجارت خود می‌شدم، باختم.

بیشتر کارآفرینان محرک‌های خاصی دارند که باعث می‌شود به معنای واقعی کلمه آن را از دست بدهند، یعنی "آن" خودکنترلی است. برای بسیاری، این پول است. وقتی پول تمام می‌شود، ترس به وجود می‌آید و بخش لیمبیک مغز تسخیر می‌شود. سپس آنها کارهای جنون‌آمیز می‌کنند. این موضوع فرق چندانی با غارنشینی که برای نجات جان‌شان از دست شیر خشمگین می‌دود ندارد. در این حالت شما از فکر کردن دست می‌کشید و ارتجاعی می‌شوید.

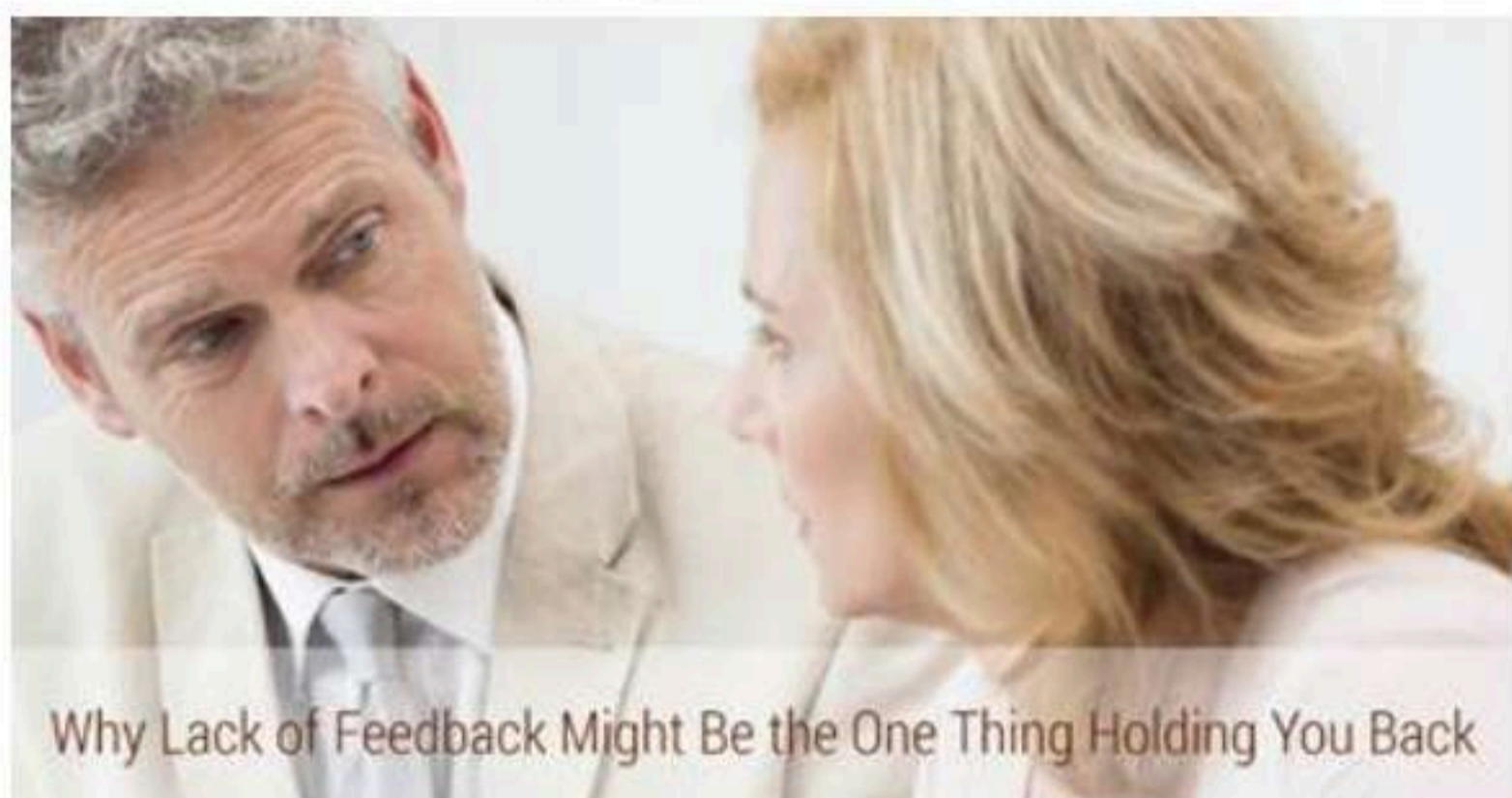
اما ما از بدن، ذهن، احساسات و روح تشکیل شده‌ایم. برای اینکه یاد بگیرید چگونه به خودتان مسلط شوید، باید آنها را تغذیه کنید. ورزش کنید، یاد بگیرید، استراحت کنید و مدیتیشن کرده و یا دعا کنید. وقت گذاشتن برای انجام آن نوع اقدامات به شما کمک می‌کند تا این باارزش‌ترین مهارت را توسعه دهید.



اما بیشتر از همه، برعکس ترس، یعنی باور را تمرین کنید. در هر موقعیتی، اگر احساس می‌کنید کنترل خود را از دست داده‌اید، بایستید، نفس بکشید و فکر کنید: «به چه چیزی اعتقاد دارم؟» مطابق با آن عمل کنید تا به خوبی جواب بگیرید.

«یادداشت»

چرا فقدان بازخورد تنها چیزی است که شما را عقب نگه می‌دارد؟



Why Lack of Feedback Might Be the One Thing Holding You Back

موفقیت نصیب زنانی می‌شود که به‌جای اینکه منتظر باشند، به دنبال بازخورد هستند

مقالات زیادی در مورد اینکه چرا زنان پس از دهه‌ها تمرکز بر این موضوع در محیط کار آنطور که باید موفق نیستند، نوشته شده است. به نظر می‌رسد هر هفته همان مقالاتی با شکلهای مختلف در مورد مسائلی مانند شکاف دستمزد و کمبود مدیران زن و اعضای هیئت‌مدیره منتشر می‌شود.

دلیل واقعی عقب‌ماندگی زنان در محیط کار چیست؟

اما این هفته، دیدگاه جالبی درباره این موضوع توسط شلی کورل، استاد دانشگاه استنفورد و کارولین سیمارد، مدیر ارشد تحقیقاتی مرکز پیشرفت رهبری زنان در دانشگاه استنفورد، در هاروارد بیزینس ریویو منتشر شد.

به گفته کورل و سیمارد:

«اگرچه شرکت‌ها سرمایه‌گذاری هنگفتی در برنامه‌هایی برای ارتقای رهبران زن کرده‌اند، اما تعداد زنان در نقش‌های اجرایی در دهه گذشته تغییر قابل توجهی نداشته است. حتی اگر زنان به‌عنوان مدیران میانی به خوبی معرفی شوند، تعداد آن‌ها در زمان رسیدن به مدیران سطح معاونت کاهش می‌یابد. چرا زنان به رده‌های اجرایی نمی‌رسند؟ یکی از دلایلی که آنها پیشنهاد می‌کنند، اختلاف بین روش‌های دریافت بازخورد مردان و زنان است.» آنها می‌نویسند: «تحقیق ما نشان می‌دهد که زنان به‌طور سیستماتیک کمتر احتمال دارد که بازخورد خاص مرتبط با پیامدها را دریافت کنند، چه زمانی که تحسین و چه زمانی که بازخورد

رشدی است؛ به عبارت دیگر، به مردان تصویر واضح‌تری از کارهایی که به خوبی انجام می‌دهند و راهنمایی‌های دقیق‌تر از آنچه برای رسیدن به سطح بعدی لازم است ارائه می‌شود.»

نتایج عدم بازخورد برای زنان در محیط کار

کورل و سیمارد هر دو فرض می‌کنند که این فقدان بازخورد یک سوگیری در محل کار را نشان می‌دهد، جایی که داوران کمتر احتمال دارد تخصص فنی و مشارکت زنان را برای نتایج کسب و کار معنادار بدانند. همچنین، به نظر می‌رسد این ترس در میان مردان وجود دارد که اگر بازخورد انتقادی ارائه کنند، آن درست برداشت نشود.

همانطور که کورل و سیمارد می‌نویسند: «به وضوح، این مسائل می‌تواند زنان را در زمان ارتقاء به ضرر برساند. بدون دستاوردهای تجاری مشخص و مستند، برای یک مدیر دشوار است که برای پیشرفت تلاش کند. برعکس، اگر یک هدف تجاری نادیده گرفته شود، فقدان بازخورد صریح این فرصت را از زنان می‌گیرد که دفعه بعد به موفقیت برسند.»

کورل و سیمارد در حمایت از این یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های آن‌ها، یک برنامه آزمایشی مایکروسافت به نام **Step Up** را معرفی می‌کنند که بر تجهیز رهبران به مهارت‌های مورد نیاز برای رشد، مبتنی بر «بازخورد واضح و عملی» تمرکز دارد. نتیجه این بود که ۶ زن از ۱۷ زن در این برنامه به پست رهبری ارتقا یافتند.

چرا بازخورد برای موفقیت بسیار ضروری است

همه اینها اهمیت بازخورد را در هر موقعیتی برجسته می‌کند. اکثر زنانی که با آنها تعامل دارم - و کسانی که برایشان می‌نویسم - آنقدر علاقه‌مند به بالا رفتن از نردبان ترقی شرکت نیستند، بلکه به سرمایه‌گذاری بزرگ و ایجاد مشاغل عالی علاقه‌مند هستند. با این حال، اصول "بازخورد واضح و عملی" همچنان اعمال می‌شود.

در واقع، من و رابرت آنقدر به قدرت بازخورد اعتقاد داریم که برای چندین دهه در مربیگری شخصی و حرفه‌ای سرمایه‌گذاری کرده‌ایم و به این کار ادامه

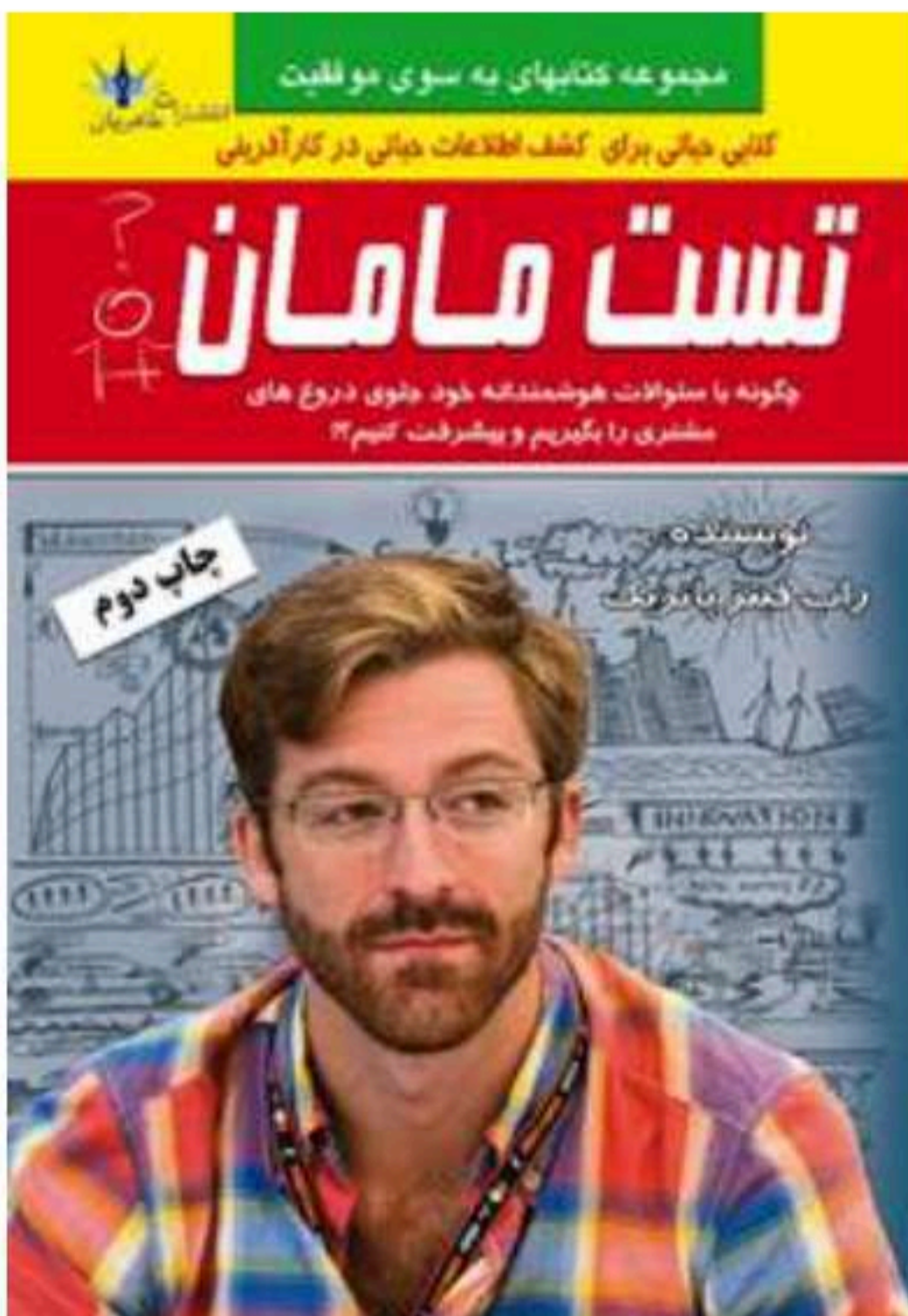
می‌دهیم. ما همچنین یک برنامه مربیگری از طریق پدر پولدار ایجاد کردیم تا به مردم کمک کنیم به رؤیاهای مالی خود برسند.

ما معتقدیم که مهم نیست چقدر موفق می‌شوید، همیشه به کسی نیاز دارید که به او اعتماد کنید تا بتواند در زندگی شما صحبت کند، به شما نشان دهد که کجا می‌توانید بهتر رشد کنید و مسیر روشنی را برای این رشد به شما ارائه دهد. این نوع بازخورد بسیار ارزشمند است و بدون آن نمی‌توانید رشد کنید.

بهترین زمان برای بازخورد

دریافته‌ام که بازخورد زمانی بسیار ارزشمند است که در یک پیچ و خم گیر کرده‌ام و مشخص نیست کجا باید بروم. همه ما بالأخره به این نقطه می‌رسیم. ما تمام تلاش خود را با قدرت و توان خود انجام داده‌ایم. ما به خوبی از تجربیات و دانش خود استفاده کرده‌ایم. خلاصه به کمک نیاز داریم.

کسانی که به اندازه کافی متواضع (و به اندازه کافی عاقل) هستند که بپذیرند در این مواقع به کمک نیاز دارند، آنهایی هستند که بیشترین موفقیت را در زندگی دارند. این کسانی هستند که از جستجوی بازخوردی که هرگز رشد نمی‌کند امتناع می‌ورزند. شاید آنها فکر می‌کنند بازخورد خیلی دردناک خواهد بود. یا شاید آنها فکر می‌کنند که می‌توانند این موضوع را به تنهایی کشف کنند. دلیلش هرچه که باشد، آنها به سادگی همان چیزها را بارها و بارها امتحان می‌کنند تا نتایج یکسانی را ببینند.



کتابی تست مامان کتابی عالی برای دریافت بهترین و واقعی‌ترین بازخوردها

اگر برای رفتن به سطح بعدی آماده هستید، من شما را تشویق می‌کنم که با جستجوی بازخورد از یک مربی و مشاوره که به آن اعتماد دارید شروع کنید. کلمه کلیدی در اینجا جستجو است. همانطور که کورل و سیمارد نشان می‌دهند، بازخورد به ندرت به ما می‌رسد - به خصوص به عنوان زنان. باید بریم دنبالش حتی گاهی مجبوریم آن را به زور از مردم بیرون بکشیم؛ اما وقتی این کار را می‌کنیم، اتفاقات شگفت‌انگیزی رخ می‌دهد. امروز، بازخوردی را که شایسته آن هستید دریافت کنید و در مسیر خلق آینده‌ای که شایسته آن هستید خواهید بود.

یک درس پولی از ویمبلدون

Not Worth Nearly
As Much Anymore



آنچه برگزیت می‌تواند در مورد پول به شما بیاموزد

این هفته، سرنا ویلیامز، مسلماً مسطراترین تنیس‌باز زن در تاریخ این بازی، هفتمین عنوان قهرمانی خود در ویمبلدون را به دست آورد؛ اما اگرچه او امسال بیشتر از پیروزی خود در سال ۲۰۱۵ درآمد پوندی داشت، اما امسال ارزش آن کمتر است.

همانطور که بلومبرگ گزارش می‌دهد، به لطف برگزیت، «جایزه برنده در صورت تبدیل به دلار آمریکا ۲.۵۹ میلیون دلار است، حدود ۳۸۰۰۰۰ دلار کمتر از ارزش آن چند روز قبل از مسابقات، در آستانه رأی بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا بود.»

درست خواندید در عرض چند روز و به لطف بازارهای جهانی ارز، ویلیامز ۳۸۰ هزار دلار ضرر کرد.

و این یک درس مهم در مورد پول را برجسته می‌کند. عمدتاً، آن پول واقعاً ثروت نیست. چرا؟ زیرا ما در زمانی زندگی می‌کنیم که پول بر اساس چیزی جز اعتماد مردم به دولت‌هایی که آن را چاپ می‌کنند نیست. وقتی این اعتماد به نفس پایین می‌آید، ارزش آن پول نیز کاهش می‌یابد. این همان اتفاقی است که در مورد بریتانیا رخ داد و اینکه چرا ویلیامز مقداری پول نقد را از دست داد.



از زمانی که من یک دختر کوچک بودم قوانین پول به طور قابل توجهی تغییر کرده است. آن زمان مردم می توانستند روی دلار برای حفظ ارزش خود حساب کنند. برای آنها منطقی بود که شغل خوبی پیدا کنند، خانه بخرند و پول پس انداز کنند؛ اما امروز، این دیگر مسیر آزادی مالی نیست. در چند هفته گذشته، رابرت در مورد قوانین جدید پول مطالبی نوشته است. یکی از مهم ترین و در نتیجه اولین آنها این است که پول دیگر ثروت نیست. در عوض، دانش پول و ثروت واقعی است. یکی دیگر از قوانین مهم جدید پول، نیاز به سرعت است.

در دنیایی که ارزش پول به طور مداوم تغییر می کند (و در برخی موارد، به شدت) مهم است که در آموزش مالی خود سرمایه گذاری کنید. فقط اگر دانش بالایی در مورد پول و نحوه کارکرد آن داشته باشید، می توانید واقعاً ثروتمند باشید. این، همراه با توانایی حرکت سریع در بازارها، به شما این امکان را می دهد که از ضررهای بزرگی که دیگران به آن فکر نمی کنند جلوگیری کنید.



برگزیت تنها یکی از نمونه‌های اتفاقات غافلگیرکننده اخیر است که نشان می‌دهد چگونه بازارهای جهانی دائماً به سمت افزایش یا کاهش ارزش ارزها و سرمایه‌گذاری‌های شما تغییر می‌کنند. رویدادها دائماً اتفاق می‌افتند و برای موفقیت، باید مراقب و آماده باشید تا در صورت نیاز به جایی که پول در جریان است حرکت کنید.

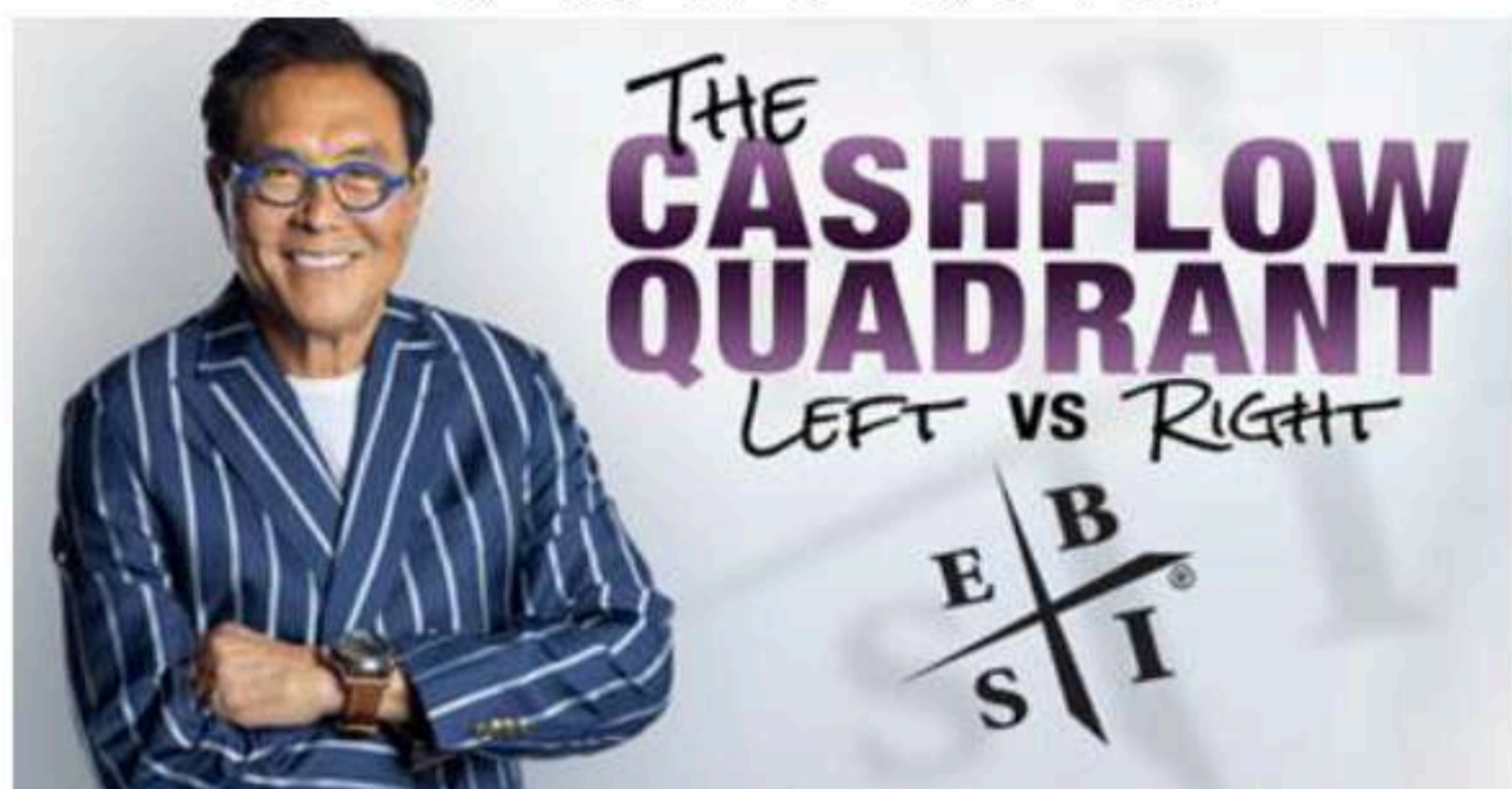
این موضوع نه برای افراد ضعیف و نه برای افراد بی‌سواد مالی قابل تصور است. شاید به همین دلیل است که پس‌اندازکنندگان بازنده‌های اصلی این بازی هستند و اینکه چرا اکثر مردم احساس می‌کنند نمی‌توانند از نظر مای پیشروی کنند علی‌رغم اینکه خوب پول درمی‌آورند.

امروز اگر می‌خواهید ثروتمند شوید، با افزایش دانش و تمرکز بر سرعت خود شروع کنید. این یکی از بهترین سرمایه‌گذاری‌هایی خواهد بود که تا به حال انجام داده‌اید.



تفکر کتاب (nbookcity.com)

اصول پدر پولدار: چهارراه پولسازی



هنگامی که از آکادمی معتبر دریایی تجاری ایالات متحده در کینگز پوینت، نیویورک فارغ‌التحصیل شدم، پیشنهادهایی برای کار در صنعت کشتیرانی داشتم که بیش از ۷۰ هزار دلار با کار تنها شش ماه (یا بیشتر) در سال درآمد داشتم. در دهه ۱۹۷۰، این پول زیادی بود و وقت آزاد زیادی!

پدر بی پول من (پدر واقعی من) که تمام زندگی خود را به عنوان کارمند در سیستم آموزشی هاوایی گذراند، کلی ذوق کرد و مرا تشویق به قبول آن شغل کرد. برای او هیچ کاری بهتر از یک شغل خوب برای رسیدن به امنیت و موفقیت وجود نداشت.

اما من به جای گوش دادن به حرف پدر بی پولم، به نیروی دریایی پیوستم و به ویتنام رفتم. در نیروی دریایی، پرواز با هلی کوپتر را یاد گرفتم. پس از مدتی که در جنگ بودم، این فرصت را داشتم که خلبان تجاری هم شوم یا دوباره برای صنعت کشتیرانی کار کنم. حالا دو تا کار خوب پیش روی من بود. باز هم پدرپولدار من ذوق کرد.

... و باز هم راه خودم را رفتم. پس از صحبت با پدر پولدارم، (پدر بهترین دوستم مایک) که صاحب کسب و کار و سرمایه‌گذار پیهای موفق بود، فهمیدم که نمی‌خواهم تمام عمرم حقوق‌بگیر باشم. من می‌خواستم مانند او یک کارآفرین و سرمایه‌گذار باشم.



پدر پولدارم از اینکه من می‌خواهم این مسیر را دنبال کنم هیجان‌زده بود و به من گفت که باید یاد بگیرم چگونه خوب بفروشم؛ بنابراین، من در شرکت زیراکس کار کردم تا نحوه فروش را یاد بگیرم؛ زیرا برای رسیدن به اهدافم به آن مهارت نیاز داشتم. وقتی توانستم عالی بفروشم، آن کار را هم رها کردم و شرکت خودم را راه‌اندازی کردم و شروع به سرمایه‌گذاری کردم. من هرگز به عقب نگاه نکردم.

پدر بی‌پول من به سادگی نمی‌توانست بفهمد. برای او، شغل خوب مهم‌ترین چیزی بود که می‌توانستید به دست آورید. او هیچ توجیهی برای رد کردن یک شغل ثابت و پردرآمد و راه‌اندازی کسب و کار و سرمایه‌گذاری توسط من نداشت.



دو دسته از مردم

برای درک واکنش‌های متفاوت پدرپولدار و پدربی‌پول من، باید درک کنید که دو دسته از مردم در جهان وجود دارند، کسانی که دنیا را از سمت چپ چهارراه پولسازی پدرپولدار می‌بینند و کسانی که از سمت راست آن را می‌بینند. سال‌هاست که من چهارراه پولسازی را تدریس کرده‌ام. برای برخی از شما، این یک موضوع تکراری خواهد بود. امید من این است که برای دیگران شروعی برای تغییر ذهنیت خود در مورد پول باشد.



چهارراه پولسازی به چهار دسته افراد تقسیم می‌شود که در هر سمت دو دسته هستند.

سمت چپ چهارراه پولسازی

در سمت چپ بخش E و S قرار دارند. آنها بیشترین مالیات را پرداخت می کنند و زمان و عمر خود را با پول معامله می کنند؛ و هر کدام طرز فکر متفاوتی نسبت به پول دارند.

E برای حقوق بگیران است

مهم ترین چیز برای کارکنان امنیت است. پدر بی پول من تمام عمرش کارمند بود و چیزی جز امنیت نمی خواست. به همین دلیل است که او نمی توانست بفهمد که چرا من می خواهم صاحب کسب و کار و سرمایه گذاری باشم. برای او هیچ چیز خطرناک تر از این وجود نداشت.



از آنجایی که کارمندان از ریسک دوری می کنند، نیازی به یادگیری در مورد پول یا نحوه عملکرد آن نمی بینند. برای آنها، آموزش در مورد یادگیری مهارت های مورد نیاز برای دستیابی به یک شغل ثابت و پردرآمد با مزایای عالی مهم است؛ بنابراین مشخص است که چرا پدر بی پول من دوست داشت برای آموزش و پرورش ایالت هاوایی کار کند. زمانی که کارمندان به پول بیشتری نیاز دارند، به دنبال شغلی با درآمد بالاتر می گردند.

S برای خویش فرمایان است

افراد در بخش خویش فرمایی کارمندان خوبی نیستند و اغلب این نگرش را دارند که هیچ کس نمی‌تواند بهتر از آنها یک کار را انجام دهد. در حالی که آنها هنوز ایده امنیت را دوست دارند، تحمل ریسک بیشتری دارند و بنابراین بدشان نمی‌آید که برای خودشان کار کنند. در واقع، آنها این کار را دوست دارند زیرا احساس می‌کنند آینده خود را تحت کنترل دارند.

افراد در بخش S پزشکان، وکلا، دندانپزشکان، حسابداران و سایر مشاغل و مشاوران مبتنی بر رایحه خدمات هستند. آنها استانداردهای بسیار بالایی برای کار خود دارند و به همین دلیل برای تفویض اختیار به دیگران مشکل دارند. باز هم، آنها دوست ندارند کارمندانی را استخدام کنند، زیرا هیچ کس این کار را بهتر از آنها انجام نمی‌دهد. در نتیجه آنها فقط زمانی که مشغول به کار هستند درآمد کسب می‌کنند. این بدان معناست که آنها صاحب یک تجارت نیستند، بلکه صاحب شغل هستند.



زمانی که افراد خوداشتغال به پول بیشتری نیاز دارند، به دنبال ساعت‌های بیشتری برای کار می‌گردند که بتوانند صورت حساب خود را پرداخت کنند. سمت راست چهارراه پولسازی

در سمت راست بخش‌های B و A قرار دارند. آن‌ها کمترین مالیات را پرداخت کرده و دارایی‌هایی ایجاد می‌کنند یا در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند که حتی زمانی که در خواب هستند، جریان نقدی برای آنها به همراه دارد.

B مخفف کسب و کارهای بزرگ (Business Owner) است برخلاف کسانی که در بخش S هستند، B ها صاحب شغل نیستند. آنها صاحب یک سیستم یا محصولی هستند که حتی زمانی که کار نمی‌کنند پول در می‌آورند. از آنجایی که می‌دانند به تنهایی نمی‌توانند موفق باشند، صاحبان مشاغل به دنبال استخدام افرادی هستند که در مهارت‌های مورد نیاز برای کسب و کار تخصص دارند و افرادی را استخدام می‌کنند که استعداد و مهارت بیشتری نسبت به آنها دارند. آنها به دنبال این هستند که تا حد امکان تفویض اختیار کنند، نه اینکه همه کارها را برای خودشان نگه دارند. بهترین صاحبان کسب و کار می‌دانند که می‌توانند شرکت خود را برای یک سال ترک کنند و برگردند و ببینند که هنوز سودآور است و بهتر از آنچه که آن را ترک کرده‌اند، کار می‌کند.



صاحبان مشاغل اغلب به عنوان افرادی ریسک‌پذیر در نظر گرفته می‌شوند، اما از دیدگاه صاحب کسب و کار، حقوق‌بگیر بودن خطرناک‌ترین کار است زیرا کارمندان کنترلی بر اوضاع ندارند. یک صاحب کسب و کار می‌تواند تصمیم به اخراج یا رد یک کارمند بگیرد، اما هیچ کس نمی‌تواند کسب و کار را از او بگیرد؛ و زمانی که اقتصاد دچار رکود می‌شود، صاحب کسب و کار بیشترین کنترل را برای کارکرد و بقای کسب و کار دارد.

زمانی که صاحبان کسب و کار به پول بیشتری نیاز دارند، محصول جدیدی ایجاد می کنند یا سیستم جدیدی را ایجاد می کنند که پول تولید می کند.
۱ مخفف سرمایه گذار است

سرمایه گذاران بالاترین سطح تحصیلات مالی را نسبت به سایرین در چهارراه پولسازی دارند. آن ها در یافتن دارایی هایی که درآمد ثابتی را در قالب جریان نقدی فراهم می کنند مهارت دارند و اغلب از پول دیگران (OPM) برای دستیابی به آن دارایی ها استفاده می کنند. آنها سپس از درآمد حاصل از آن دارایی ها برای به دست آوردن دارایی های بیشتر استفاده می کنند و ثروت خود را از طریق این سرعت پول افزایش می دهند. آنها از معافیت های مالیاتی بیشترین لذت را می برند، در صورت تمایل اصلاً مجبور به کار نیستند و مجبور نیستند با مدیریت کارمندان سر و کار داشته باشند. ثروتمندترین افراد جهان سرمایه گذار هستند و به عنوان یک اصل کلی ۷۰ درصد درآمد آنها از سرمایه گذاری است و ۳۰ درصد دیگر از دستمزد تشکیل می شود.



زمانی که سرمایه گذاران به پول بیشتری نیاز دارند، به دنبال فرصتی برای به دست آوردن دارایی هستند که درآمد غیرفعال بیشتری تولید می کند.
هزینه انتخاب امنیت بر آزادی
وجه تمایز بین بسیاری از کسانی که از نظر مالی با مشکل مواجه هستند و کسانی که در حال پیشرفت هستند، نگاه آنها به جریان نقدینگی است.
همانطور که قبلاً نوشتیم، دستمزد فقرا و طبقه متوسط در طول چند دهه گذشته یا ثابت مانده یا کاهش یافته است. با این حال، کسانی که در سمت چپ

چهارراه پولسازی هستند همچنان فکر می کنند که در امنیت زندگی می کنند و به کسانی که صاحب کسب و کار هستند و به عنوان افراد ریسک پذیر نگاه می کنند. واقعیت غم انگیز این است که کسانی که در سمت چپ ربع فعالیت می کنند، مالیات بیشتری می پردازند و برای بازپرداخت بدهی ها، سود بیشتری می پردازند. این یک چرخه معیوب است که باعث می شود آنها احساس فقر کنند - چیزی که من آن را چرخه موشواری می نامم.



برای درک اینکه چرا E ها و S ها ثروتمند نمی شوند، باید تفاوت هوش مالی بین این دو را درک کنید.

چه چیزی شما را واقعاً ثروتمند می کند

وقتی از بیشتر مردم می پرسم: «چه چیزی باعث می شود کسی پولدار شود؟»، معمولاً پاسخی که می گیرم این است: «چون آنها پول زیادی به دست می آورند».

چرا شما هرچقدر پول در می آورید ثروتمند نمی شوید؟ پولی که شما به دست می آورید مهم نیست بلکه مقدار پولی که نگه می دارید چیزی است که شما را ثروتمند می کند.

کسانی که در سمت راست چهارراه پولسازی هستند کمترین مالیات را پرداخت می کنند، می دانند چگونه از بدهی برای کسب درآمد استفاده کنند و از

دارایی‌های خود در برابر تورم محافظت کنند. آنها نه تنها بیشتر از کارمندان و خویش‌فرمایان درآمد دارند، بلکه قطعاً پول بیشتری نیز حفظ می‌کنند.



کسانی که در سمت چپ چهارراه پولسازی قرار دارند برای چیزی کار می‌کنند که به آن درآمد کسب شده می‌گویند و مشمول مالیات است. آنها معافیت‌های مالیاتی کمی دارند. در عوض کسانی که در سمت راست چهارراه پولسازی هستند برای درآمد غیرفعال کار می‌کنند، درآمدی که کمترین مالیات را دارد. آنها معافیت‌های مالیاتی زیادی در کد مالیاتی دارند که می‌توانند از آنها به نفع خود استفاده کنند.

چه چیزی شما را از حرکت از قسمت چپ به قسمت راست چهارراه پولسازی باز می‌دارد؟!

وقتی در مورد حرکت از سمت چپ ربع چهارراه پولسازی به سمت راست صحبت می‌کنم، اغلب می‌شنوم که مردم می‌گویند، ای کاش می‌توانستم این کار را انجام دهم، اما در حال حاضر برای من امکان‌پذیر نیست.

وقتی علت را می‌پرسم، پاسخ‌های مختلفی می‌گیرم؛ اما موضوعی که همه آنها را در برمی‌گیرد، طرز فکری اساساً متفاوت از کسانی است که در سمت راست چهارراه پولسازی عمل می‌کنند.

به عنوان مثال، من یک همکلاسی از آکادمی دریایی تجاری داشتم که مانند من می دانست که نمی خواهد زندگی خود را در دریا بگذراند. به جای اینکه بعد از فارغ التحصیلی با کشتی کار کند، به دانشکده حقوق رفت. پس از سه سال فارغ التحصیل شد و به عنوان وکیل در یک شرکت خصوصی مشغول به کار شد. او در حرفه خود بسیار موفق بود، اما از کار خود بسیار ناراضی و از وکیل بودن متنفر بود، اما احساس می کرد که چاره‌ای جز ادامه دادن به آن ندارد، زیرا خانواده، بچه‌ها، وام مسکن و قبوض زیادی برای پرداخت دارد.

وقتی سال‌ها بعد او را در یک گردهمایی در نیویورک دیدم، ناراحتی او در نحوه صحبت‌هایش آشکار بود «تمام کاری که انجام می‌دهم این است که پشت سر افراد ثروتمندی مثل شما را جارو بزنم. آنها به من پول چندانی نمی‌دهند. از کاری که انجام می‌دهم متنفرم.»

«چرا کار دیگری نمی‌کنی؟» من پرسیدم.

او گفت: «من نمی‌توانم کار را رها کنم. اولین فرزندم در حال ورود به دانشگاه است.»

متأسفانه این مرد قبل از فارغ التحصیلی دخترش بر اثر سکت قلبی درگذشت. او از طریق آموزش حرفه‌ای خود پول زیادی به دست آورده بود، اما از نظر عاطفی عصبانی بود، از نظر روحی مرده بود و به زودی بدنش نیز از روحیه‌اش پیروی کرد.

ذهنیتی که به ما آموزش داده می‌شود در مقابل ذهنیتی که ایجاد می‌کنیم در کتابم، کودک امروز نابغه اقتصادی فردا، درباره این صحبت می‌کنم که چگونه هر کودکی یک نابغه در وجود خود دارد - چیزی که زندگی آنها را روشن می‌کند، به آنها انگیزه می‌دهد، رؤیاهایشان را تغذیه می‌کند و آنها را به چالش می‌کشد. متأسفانه، مدرسه اغلب نبوغ را در فرزندان ما تشخیص نمی‌دهد و حتی بیشتر از آن، مدرسه حتی ممکن است نبوغ کودک را در هم بکوبد.

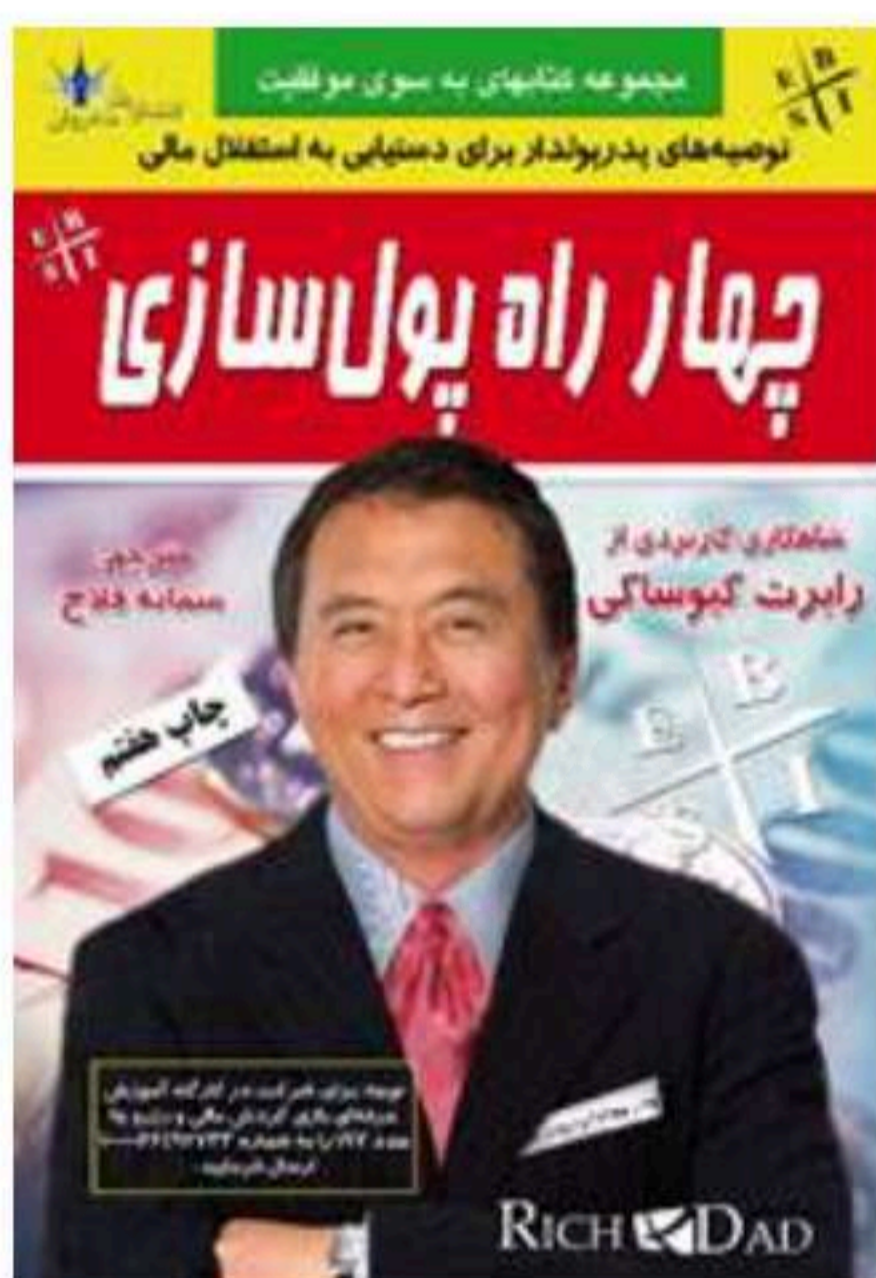


این به این دلیل است که سیستم آموزشی ما یک روش انجام کارها و فکر کردن به روش افراد سمت چپ چهارراه پولسازی را آموزش می‌دهد. مدام و یک ریز به بچه‌های ما گفته می‌شود که به مدرسه بروید تا شغل خوبی پیدا کنید. البته مشکل این است که آنها نمی‌دانند واقعاً می‌خواهند چه کار کنند و با شنیدن این مسیرهایی را دنبال می‌کنند که برای آنها تجویز شده است، مانند دکتر، وکیل، معلم و ... بیشتر - مشاغل در بخش E یا S ربع چهارراه پولسازی.

با افزایش سن، در مسابقه موشواری می‌افتند. از آنجا که آنها به دانشگاه می‌روند و وام دانشجویی می‌گیرند، پس باید شغلی با درآمد بالا پیدا کنند. به زودی خانه می‌خرند و به خاطر وام مسکن باید به کار خود ادامه دهند. سپس هزینه‌های دیگری مانند بچه‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و غیره آنها را در گوشه‌ای گیر می‌اندازد. قبل از آن که متوجه شوید، رؤیاهای جوانی از بین رفته‌اند.

سیستم مدرسه کمکی به کشف نبوغ شما نمی‌کند و در فرآیند تعقیب رؤیاهای دیگران برای زندگی، ما اغلب نبوغ خود را از دست می‌دهیم. وقتی این اتفاق

می‌افتد، ما لگدمال می‌شویم... و شبیه دوست وکیل من می‌شویم که پول زیادی به دست آورد اما بدبخت بود و از استرس کار و مسئولیت‌هایش در جوانی مرد. در کتابم، چهارراه پولسازی، در مورد اهمیت یافتن مسیر خودمان صحبت کردم - تغییر طرز فکر شما در مورد زندگی و پول که کار آسانی نیست. ما اغلب ممکن است در این فرآیند گم شویم و پیدا کردن راه بازگشت همیشه آسان نیست؛ اما یافتن مسیرمان - رهاسازی نبوغ درونی و نبوغ فرزندانمان - برای یک زندگی شاد ضروری است.



در مورد شما چطور؟ مسیر شما چگونه پیش می‌رود؟ آیا متوجه می‌شوید که این نوع جملات را بیان می‌کنید؟

○ «من عاشق کاری هستم که انجام می‌دهم، اما ای کاش می‌توانستم پول بیشتری به دست بیاورم.»

○ «من نمی‌توانم برای تعطیلات آخر هفته صبر کنم.»

○ «من می‌خواهم کار خودم را انجام دهم.»

○ «آیا هنوز زمان ترک این شغل نرسیده است؟»

اگر چنین است، ممکن است زمان آن رسیده باشد که طرز فکر خود را تغییر دهید و مسیر جدیدی پیدا کنید. برای کشف هدف زندگی خود، چرا به شما این هدیه به نام زندگی داده شده است و چه هدیه‌ای است که باید به دنیا بدهید.

حرکت از سمت چپ به سمت راست چهارراه پولسازی

اگر می‌خواهید از سمت چپ پول چهارراه پولسازی حرکت کنید، در اینجا کمکی برای تغییر طرز فکرتان وجود دارد.

مدتی قبل مطالعه‌ای انجام شد که طرز فکر کسانی را که از فقر به ثروت رسیده بودند را نشان داد. سه چیز به عنوان یک عامل تعیین کننده در نظر گرفته شد:

۱. آنها چشم‌انداز و برنامه بلندمدت خود را حفظ کردند
۲. آنها به ارضای تأخیری اعتقاد داشتند
۳. آنها از قدرت بهره مرکب به نفع خود استفاده کردند



به دنبال آزادی مالی هستید؟

آیا می‌خواهید زندگی بهتری برای خود و خانواده خود داشته باشید اما نمی‌دانید از کجا شروع کنید؟

محققان همچنین به کسانی که ثروتمند بودند و فقیر شدند نگاه کردند. اینها سه عاملی بودند که در فقیر شدن آنها نقش داشتند:

۱. دید کوتاه مدت داشتند
۲. آنها میل به ارضای آنی داشتند
۳. آنها از قدرت بهره مرکب سوءاستفاده کردند

خیلی ساده، مسیر سمت راست چهارراه پولسازی با تفکر در زمینه به دست آوردن دارایی‌هایی که درآمد غیرفعال تولید می‌کنند، شروع می‌شود (به جای

زندگی در یک الگوی گذران زندگی با چک دستمزد حقوق). از کارهای کوچک شروع کنید، صبر داشته باشید تا شاهد رشد ثروتتان در طول زمان باشید.



شهر کتاب (nbookcity.com)



مجموعه کتابهای به سوی موفقیت



دعوتنامه‌ای معتبر به دنیای ثروتمندان خودساخته

هشتک میلیاردرها

بایدها و نبایدها در مسیر پولسازی



نویسندگان:
رابرت کیوساکی
کیم کیوساکی
ترجمه و گردآوری:
ابوالفضل طاهریان ریزی

ترجمه و چاپ با مجوز رسمی شرکت
پدر پولدار و بصورت انحصاری در ایران
توسط انتشارات طاهریان

RICH DAD Education IRAN

inbo

کتاب بزرگوار کوسانی	دسته بندی سهام	ادبیات پهلوانها	مطبوعات گفتار قرآن	سرمايه کافه‌ای	مطالب و سنگینی	بزرگوار نور کسک
حرف و جست شماره کیم کیم	پشتی و مخنده نکته و فروغی	پانچت فشیما نکته و فروغی		عنوان مردانه عندس		
			خاتره در کوش ماری			
نتیجه و رشد کلمه از حرف پوشی اکتای کازم	بر مطوب و نور اشکرا		ماترورده واحد انداره کوی پروت	عمر طون پارده سرمايه کمداری به در عهد		
			ماده آفت زده گوسفند زایا			
هر رنگ دارو زده دخان	از عاصم سلی حکمت ۱۱		از کمال پهلوان پهلوان			
	طریق کوتاه ظاهر سازی	دور حزب اشکرا و نگرانی				
		په نش ماده پسر				
انوار نورانی فانته دو بار درخت	مقاله خراج حکمت ارسطویی ۷		اسب سیاه مقاله فارسی پارلمان			
		پانچت از آدن پوشی		رنگ آخر روحانی از کمال		
			مقاله و عزت پوشی نخاری			
از کمال کیم و کیم		پشتی و نکته خاتره				
	دسته خود رنگ					
و کمال پول			پراگندگی نور و نگرانی			
کلمه نورانی نگرانی		مقاله فارسی از کمال		نور و خاتره		
			خاتره پهلوان			
پرده نوری			نام کوچک پهلوان			

پس از حل جدول رمز آن را به شماره ۰۷۰۸۷۰۰۰۱۰۰ پیامک بفرمائید. به ۵۰ نفر از کسانی که پاسخ درست را ارسال کنند به قید قرعه جوایزی ارزنده اهدا خواهد

شد.

۱ شما می‌توانید برای دریافت رایگان فایل برگه صورت‌حساب مالی عبارت « لطفاً برگه صورت‌حساب مالی» را به شماره تلفن ۱۰۰۰۷۰۷۸ را پیامک کنید تا فایل آن از طریق واتس‌آپ برایتان ارسال گردد.

۲ فعال سیاسی، آموزگار، سازمان‌دهنده جامعه و سیاستمدار دموکراتیک آمریکایی است که از ژانویه ۲۰۱۷ به عنوان عضو مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا

۳ اصطلاحاً به شغل جدید کارمندان شرکت‌های بزرگ که به جای شغل سنتی، اداری و تمام‌وقت با یک شرکت واحد، به عنوان پیمان‌کاران کوتاه‌مدت، موقت یا فریلنس برای یک یا چند کارفرما کار می‌کنند، اگرچه به معنای سنتی کارفرما نیستند.

۴ مشابه این شرکتها در ایران اسنپ والو پیک و تاپسی هستند.

۵ برای آشنایی هر چه بهتر با دسته بندی مشاغل توسط رابرت کیوساکی توصیه می‌شود کتاب چهارراه پولسازی وی را مطالعه فرمایید.